

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۹

سکاها^۱

اسکولد ایوانچیک^۲

ترجمه محمد مهرا ن خلیفه هادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۴

مقدمه مترجم:

قوم سکا یکی از معروف ترین و در عین حال ناشناخته ترین اقوام هندواروپایی است. از یک سو در مطالعات تاریخی آسیای غربی و اروپای شرقی، نام این قوم بسیار به چشم می خورد؛ از سوی دیگر پژوهش های مستقل درباره این قوم چندان زیاد نیست. با این قوم در مطالعه تاریخ هخامنشی، به ویژه در مباحثی همچون مرگ کورش بزرگ و جنگ های داریوش بزرگ و خشایارشا با سکاها و غیره، برخورد زیادی داریم و بی تردید مطالعه هرچه بیشتر پیرامون آنان، روشنگر پرسش هایی مهم در ذهن ما خواهد بود. شاید بتوان اصالت روسی نویسنده را ویژگی بارز این مقاله دانست، چرا که بیشترین مطالعات باستان شناسی پیرامون قوم سکا، در کشورهای حوزه اتحاد جماهیر شوروی سابق صورت گرفته است. از این رو نویسنده با دسترسی به منابع روسی، پشتوانه های غنی برای بررسی کامل قوم سکا، در اختیار داشته است. شایان ذکر است که کاستی های نویسنده در تسلط به زبان انگلیسی مشهود بوده و همین امر، فرآیند ترجمه را با دشواری های بسیار روبرو ساخت. امید است که روند مطالعه برای خواننده محترم تسهیل گشته و مترجم بر این چالش فائق آمده باشد.

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

Askold Ivantchik, "SCYTHIANS," *Encyclopaedia Iranica*, online edition, 2018, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/scythians> (accessed on 25 April 2018).

۲. استاد تاریخ دانشگاه مسکو و عضو انجمن علوم روسیه

۳. راهنمای فرهنگی گردشگری در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی Mehran.khalifehadi@gmail.com

سکاها، مردمانی کوچ‌نشین با اصالتی ایرانی که در قرون هفتم و هشتم پ.م در جلگه‌ای وسیع، واقع در شمال دریای سیاه، به شکوفایی رسیدند (تصویر ۱).

۱. تاریخ:

واژه انگلیسی «Scythian» منشعب از کلمه لاتین «Scythai» بوده که خود برگرفته از لغت یونانی «Skýthai» است. همچنین این نام در متون اکدی به صورت «Áš-gu-za(-a-a)»^۱ و در انجیل به شکل «šknz»^۲ مشاهده می‌شود. با قیاس تعبیر سامی و یونانی، می‌توانیم عنوان اولیه‌ای به شکل «škuða-» یا «skuða-» با تلفظ بین دندانان همانند تتا در یونانی و z در سامی برای این قوم در نظر بگیریم. اولین حرف صدادار در شکل سامی ناخواناست و از کنار هم قرارگیری چند حرف صامت در ابتدای کلمه جلوگیری می‌کند. ریشه این واژه نامشخص است. هرودوت، «Skolotoi» را به عنوان نامی که سکاها برای خود ذکر کرده‌اند در نظر گرفته که خلاف نامی است که یونانی‌ها از آن یاد کرده‌اند: «Skýthai». از واژه «Skolotoi» معمولا به عنوان بیانی متفاوت از همین نام با تغییر $\delta > 1$ یاد شده و در دیگر لغات سکایی و همچنین زبان‌های شرق ایران به ثبت رسیده که دشواری‌هایی را نیز به وجود آورده‌است.^۳ آخرین عنصر واژه، «-toi» می‌تواند بیانگر پسوند جمع «-tæ» باشد که در زبان‌های شمالی ایران نیز رایج است.^۴ واژه «schythian» مربوط به قوم سکا، با بیان یکسان در مورد پادشاه سکایی با نام اسکالیزه^۵ نیز به ثبت رسیده‌است.^۶

تاریخ سکاها از دو منبع مستقل برای ما شناخته شده‌است: متون میخی اکدی و منابع رومی-یونانی. گروه اول تنها به دوره ابتدایی تاریخ سکا یعنی قرن ۷ پ.م اشاره داشته،

۱. بنگرید به: Ivantchik, 1966, pp.185-86, 212-16, 218-221, 224-26. با ارجاع به مقالات پیشین.

۲. 'škwz: Gen. 10:3; 1 Chr. 1:6; Jer. 51:27

۳. Ivantchik, 2009, pp. 65-66. با ارجاع به مقالات پیشین.

۴. همچنین در موارد مربوط به پسوندها رجوع شود به: Tokhtas'ev, pp. 72-84

5. Skýlēs

6. Hdt., 4.78-80, Scolopitus (Just., Epit. 2.4.1) < *š/skula-pita(r)

در حالی که گروه دوم تمام تاریخ سکا را پوشش داده است. منابع یونانی، به ویژه منابع مربوط به قرون ۶ و ۷ پیش پ.م، همیشه قابل اعتماد نیستند. اطلاعات تاریخی موجود در چنین منابعی، اغلب درآمیخته با داستان‌های محلی یا جهت‌دهی از سوی برخی تاریخ‌دانان بوده و استفاده از آن‌ها نیازمند بررسی‌های بسیار دقیق است.

جلوه‌های ابتدایی تاریخ سکا، تحرکات نظامی آن‌ها به سمت خاور نزدیک است. نام سکاها در سالنامهٔ اِسِرَخْدون^۱ پادشاه آشوری ذکر شده و بیانگر مسیر حرکت مائایی‌ها در کنار متحدینشان سکاها، در حوزهٔ آشور بوده که توسط ایشپکای^۲ رهبری می‌شدند. این وقایع در سال ۶۷۷ یا ۶۷۸ پ.م آغاز شده و در سال ۶۷۹ یا ۶۸۰ پ.م پایان یافته است. در منابع بعدی، نام سکاها در ارتباط با وقایع مائایی و مادی که در شرق و شمال شرق مرزهای آشوری رخ داده، ذکر شده است.^۳ در حدود سال ۶۷۲ پ.م پارثوه،^۴ پادشاه سکایی^۵ در ازای پیمان اتحاد با حکومت آشور، تقاضای ازدواج با دختر اِسِرَخْدون، پادشاه آشور را داشت. این احتمال وجود دارد که این ازدواج انجام شده و اتحاد شکل گرفته باشد.^۶ سکاها احتمالاً به طور متناوب، حملاتی را برای یورش از دشت به شمال قفقاز تدارک می‌دیدند. از این رو سرزمین تحت سلطهٔ آن‌ها، حداقل در اواخر دههٔ هشتم قرن ۷ پ.م، از شمال تا قفقاز جنوبی و از جنوب تا حوزهٔ حکومت ماد گسترده بوده است. در حدود سال ۶۲۰ پ.م فعالیت آن‌ها به شرق مرز آشور محدود بود و برای آشوریان، مردم کم‌اهمیتی بودند که نمی‌توانستند با قوم دیگر جلگه در آن سوی مرزهای آشور، یعنی کمیریان^۷ مقایسه شوند. در حدود سال ۶۲۰ پ.م زمانی که حکومت آشور در حفظ باقیماندهٔ قلمروی خود دچار مشکل بود و دولت‌های جدید بابل و ماد قدرتمند نشده بودند، سکاها آزادی عمل بیشتری را به دست آورده و از فرصت

1. Esarhaddon

2. Išpakāia

۳. برای منابع رجوع شود به: Ivantchik, 1996

4. Partatua

5. Protothýēs of Hdt., 1.103

6. SAA IV, no. 20; Ivantchik, 1993, pp. 93-94; 205-9

پیش آمده به خوبی برای ایجاد کارزارهای طولانی‌تر بهره بردند. سکاها خود را به مرزهای مصر رسانده، چندین شهر را غارت و مسیر خود را به سمت کمبریان باز کردند.

این رویدادها با نام پادشاه سکایی، مدیس،^۱ که احتمالاً پدرش پارتوه یا پرتوتیس^۲ با یک شاهدخت آشوری ازدواج کرد، گره خورده بود. در روایات کهن، دوره حکمرانی سکاها بر آسیا توسط هرودوت ۲۸ سال^۳ و از دیدگاه پمپئوس ۸ سال^۴ عنوان شده است.

اهمیت این وقایع به شکل گسترده‌ای تحت تأثیر داستان‌های محلی سکاها در روایات کهن بزرگنمایی شده است. در واقعیت، به عنوان یک پرسش و نه نظر قطعی، سکاها در طول تمامی حملات موفق و بلندمدت، هرگز ارتباط و تماس خود را با قلمروی اصلی، یعنی جلگه شمالی دریای سیاه^۵ و قفقاز شمالی قطع نکردند.^۶ رهبری سکاها توسط یک پدر، یعنی پرتوتیس و پسرش مدیس در اواخر دهه ۷۰ و میانه دهه ۲۰ در قرن هفتم پ.م، به ما خبر حضور مردمی در کنار سکاها را می‌دهد که نبرد و تصرف در خاور نزدیک برای آن‌ها، سنتی با پیشینه چندین دهه دارد. بر طبق روایات کهن، سکاها، حکومت ماد را که توسط هوخشتره^۷ از چنگشان آزاد شده بود، مطیع خود ساختند. او رهبر سکاها را در ضیافتی در قصر خود به قتل رسانده بود^۸ که البته صحت این داستان مورد تردید است. تاخت و تاز سکاها به خاور نزدیک در دهه پایانی قرن ۷ پ.م پایان یافت. زمانی که یونانی‌ها در ربع سوم قرن ۷ پ.م، بیشتر در آسیای صغیر با گروه‌های اروپایی-آسیایی (اوراسیا) برخورد داشتند، تجمعات ابتدایی آن‌ها را در قلمروی سکاها در جزیره

1. madyes

2. Protothyas

3. Herodotus (1.103-6, 130;4.1-4, 12)

4. Pompeius Trogus (Just., Epit. 2.5.1-7)

۵. نویسنده از این منطقه با نام پونتیک (Pontic) یاد کرده که این نام به منطقه‌ای در جنوب دریای سیاه نیز اطلاق می‌شود. با در نظر گرفتن این امر که مقصود نویسنده بدون تردید، شمال دریای سیاه بوده، مترجم برای فهم بهتر مخاطب، به جای واژه پونتیک در متن، از قلمروی شمالی دریای سیاه یاد کرده است.

6. Ivantchik, 1999b; Ivantchik, 2005, pp. 221-24

7. Cyaxares

8. Hdt., 4.104-6

بُریستِنِس^۱ و نزدیک تاگانروگ^۲ در دریای آزوف^۳ و بعدها در اُلبیا،^۴ پانتی کاپیوم^۵ و نواحی دیگر مشاهده کردند. اگرچه اطلاعات جدید به دست آمده حاکی از تخریب احتمالی پانتی کاپیوم، به دست سکاها در میانهٔ قرن ۶ پ.م است؛ با این وجود در طول این قرن روابط میان گروه‌های یونانی و سکاها صلح‌آمیز بوده است.^۶

یونانی‌ها راه‌های تعاملی خود با مردم مستقر در جنگل دوردست جلگه و نه همسایگان نزدیک خود، یعنی سکاها را به شکلی ویژه حفظ کردند. مسیر اصلی دسترسی به جنگل، از طریق رودخانهٔ بزرگی بود که به دریای سیاه می‌ریخت.

معروف‌ترین رویداد تاریخ سکایی، حملهٔ ناموفق داریوش یکم در قرن ۶ پ.م است.^۷ برای این رخداد، تاریخ‌های مختلفی بین سال‌های ۵۰۷ تا ۵۲۰ پ.م عنوان شده، اما به نظر می‌رسد که صحیح‌ترین آن‌ها ۵۱۳ پ.م است.^۸ اهداف و ابعاد حمله همچنان مورد پرسش بوده و به نظر می‌رسد که اهمیت آن توسط هرودوت بزرگنمایی شده باشد. اگرچه در دوران بعد از این کارزار، که در روایات کهن نیز شکست داریوش یکم در آن تأیید شده، نام سکاها^۹ به لیست ملل تحت فرمان حکومت پارس افزوده شد. پیروزی سکاها در نبرد مذکور، بر شاهی با کارنامهٔ بدون شکست تا به آن روز، تأثیر شایان ذکری بر دیدگاه مردم معاصر سکاها، نسبت به آن‌ها داشت و از آن پس به آن‌ها، علی‌رغم زندگی کوچ‌نشینی، به چشم شکست‌ناپذیران نگاه می‌شد.^{۱۰} بعدها و در دوران افوروس^{۱۱} در قرن ۴ پ.م به بعد، سنت آرمانگرایی سکاها ریشه در ادبیات کلاسیک پیدا کرد که بخشی از آن با ایدهٔ سکاها^{۱۲} شکست‌ناپذیر مطرح شده است.

1. Borysthènes
2. Taganrog
3. Azof
4. Olbia
5. Panticapaeum
6. Tolstikov et al., 2017, p. 14

۷. بنگرید به: DARIUS iii. Darius I the Great

8. Briant, 2002, pp. 141-46, 904
۹. در کتیبه‌های DSe و DNa از آن‌ها با عنوان Sakā paradraya یا سکاها^۹ آن سوی دریاها یاد شده است.
10. Hdt., 4.46; Thuc., 2.97.6
11. Ephoros
12. Ivantchik, 2005, pp. 18-52

احتمالا سکاها از قرن ۶ پ.م به بعد، تحت فرمان پادشاهی واحد نبودند. هرودوت نام سه پادشاه سکایی را در زمان حمله داریوش ذکر کرده: اسگپاسیس^۱، تاخاکیس^۲ و ایدانتیرسوس^۳؛ که بعدها رهبری نیروهای متحد سکاها و همسایگان خود را در دست گرفتند. قدرت پادشاه سکا موروثی بود و هرودوت اطلاعاتی پیرامون شجره ایدانتیرسوس که بر پارس‌ها غلبه کرد، در اختیار ما قرار می‌دهد. وی پسر ساولیوس^۴، نوه گنوروس^۵، نتیجه لیکوس^۶ و نبیره اسپاراگاپیتس^۷ بود. در همین بخش، هرودوت از فرد دیگری از خاندان پادشاهی، فرزند گنوروس و برادر ساولیوس یعنی آناکارسیس^۸، کاردان و خردمند سکایی، نام برده است. هرودوت اولین مؤلفی است که نام آناکارسیس را ذکر کرده است. او بعدها به چهره‌ای محبوب در ادبیات یونان تبدیل شده و نقش بسیار مهمی را در خرد بربری ایفا کرده، تا جایی که نام او در میان هفت خردمند یونان ذکر می‌شود. با گذر زمان و تبدیل او به مرد طبیعت و تارک تمدن، شخصیت بسیار محبوبی پیدا کرد و «نامه‌های آناکارسیس»، اثر شایان ذکر قرن ۳ پ.م، به وی نسبت داده می‌شود.^۹ مشخص نیست که پایه و اساس تاریخی مبتنی بر سنتی مربوط به آناکارسیس وجود داشته باشد. از سوی دیگر ممکن است که شاهزاده سکایی یونانی شده با همین نام، پس از آن وجود داشته باشد. اگرچه با استناد به گفته‌های هرودوت، سکاها در زمان او، از آناکارسیس اطلاعی نداشتند. در اواسط قرن ۵ پ.م سنتی مرتبط با آناکارسیس در اشکال مختلف، در آلییا وجود داشت: داستان قتل آناکارسیس در هیلیا،^{۱۰} زمانی که او به مادر خدایان قربانی پیشکش کرد. اگرچه شرح قتل، احتمالا از خود هرودوت نشأت گرفته است. (آناکارسیس همواره به دلیل ترجیح آداب یونانی بر

1. Scopasis

2. Taxakis

3. Idanthysos

۴. Sauaios، هر دو شکل در نسخ خطی دیده شده و احتمالا یکسان هستند، cf Ivantchik, 2009, 72

5. Gnouros

6. Lykos

7. Spargapeithes

8. Anacharsis

9. Reuters; Praechter; Kindstrand

10. Hylaia

سکایی، مورد سرزنش بود) وجود قربانگاهی برای مادر خدایان در هیلیا، توسط دیوارنگاره‌های ۵۵۰ تا ۵۳۰ پ.م تأیید شده است.^۱ حتی اگر شاهزاده آناکارسیس وجود داشته باشد، تقریباً تمام اطلاعات به دست آمده از او توسط نگارنده‌های باستان، درآمیخته با تاریخ ادبیات یونان بوده است و نه تاریخ سکایی.

بعد از حمله داریوش، تغییرات مهمی در منطقه شمالی دریای سیاه رخ داد. افزایش چشمگیر در تعداد آرامگاه‌ها و ظهور عناصر جدید در فرهنگ مادّی‌گرایی. شاید بتوان این امر را با ارجاع به نفوذ گروه کوچ‌نشین جدیدی در نیمه قرن ۶ پ.م در شمال دریای سیاه توضیح داد.^۲ یکی از نتایج این نفوذ، افزایش فعالیت و خشونت سکاها بود. یکی از اهداف توسعه قلمروی سکاها، ناحیه تراس بود. سکاها در یکی از حملات خود در دهه ۴۹۰ پ.م، تا شهر کرسونسوس در منطقه تراس^۳ پیشروی کردند؛^۴ اگرچه در تراس با مقاومت ادروسی‌ها^۵ روبرو شدند. با هم‌مرز شدن سکاها و ادروسی‌ها در طول رودخانه دانوب، روابط دوستانه‌ای میان آن‌ها برقرار گشت و ازدواج‌های سیاسی رواج پیدا کرد. (اکتاماسادیس، پادشاه سکایی، فرزند یک شاهدخت ادروسی، یعنی ترس بود) توسعه قلمروی دیگر سکاها به سمت شمال و شمال‌غرب بود. استحکامات متعددی درهم کوبیده شد و احتمالاً سکاها کنترل آن‌ها را در اختیار گرفتند. آن‌ها به طور هم‌زمان و البته برای اولین بار، اقدام به مطیع ساختن یونانی‌های شمالی دریای سیاه کردند؛ مردمی که پیشتر روابط صلح‌آمیزی با آن‌ها داشتند. در قلمروی مذکور، مردمی روستایی در حومه شهرهای یونانی و فاقد هرگونه استحکامات و دیوار دفاعی، حضور داشتند. تأسیسات دفاعی جدیدی در دهه‌های ابتدایی قرن ۵ پ.م در شهرهای یونانی پدیدار و به‌طور هم‌زمان، مناطقی تخریب و ترک شد. مردانی مدفون که با تیرهایی با پیکان سکایی کشته شده بودند، در گورستان‌های یونانی کشف شده‌اند.^۶

1. SEG XLII, 710

2. Alekseev, 2003, pp. 168-93,

3. Thracian Chersonesos

4. Gallipoli; Hdt., 6.40, 84

5. Odrysiian

6. Vinogradov, 1989, pp. 81-90; Marchenko

توسعه قلمروی سکاها، پیامدهای متفاوتی را در بخش‌های مختلف شمال دریای سیاه به همراه داشت. سکاها موفق شدند کنترل سیاسی یونانیان شمال غرب دریای سیاه و کریمه غربی را در دست بگیرند.^۱ اطلاعات به دست آمده از هرودوت نشان می‌دهد که اسکالیز، پادشاه سکایی، در آلبیا اقامت داشت و نیروهایش در کمپ‌های خارج از دیوارهای شهر مستقر بودند. اندکی بعد، سکه‌های نقره‌ای با نام امیناکوس^۲ ضرب شد که احتمالاً توسط یکی از فرمانداران اکتاماسادیس، جانشین اسکالیز و یا پادشاهی سکایی که بر اکتاماسادیس غلبه کرد، مورد استفاده قرار گرفته است.^۳ شرایط حاکم بر آلبیا در طول سلطه سکاها کاملاً بر ما آشکار است. در دوره پیشین، قلمروی حومه آلبیا، مملو از روستاییان بی‌دفاع بود. (بیش از ۷۰ زیستگاه از قرن ۶ پ.م به ثبت رسیده است) بیشتر غلات تولید شده در حومه، در آلبیا مورد استفاده قرار گرفته و یا صادر می‌شد. در ۲۵ سال ابتدایی قرن ۵ پ.م، تمامی زیستگاه‌ها از بین رفته و آلبیا توان تولیدی خود را از دست داد. با این وجود نه تنها نزولی در آلبیا مشاهده نشد، بلکه نظاره‌گر موفقیت اقتصادی در این شهر نیز بودیم؛ این امکان وجود دارد که غلات در آن دوره، در ناحیه جنگلی جلگه و دورتر از شهر به دست آمده و از طریق رودهای باگ^۴ و نیپر^۵ به آلبیا انتقال می‌یافته است.

مردم آلبیا غلات را به یونانیان فروخته و اقلام دیگری را در ازای آن دریافت می‌کردند؛ بنابراین شغل جدیدی پدید آمد. بربری‌های جنگل غلات را تولید کرده و آلبیا و احتمالاً دیگر گروه‌های یونانی همانند مأمورین داد و ستد، محصولات را برای کسب سود خود به فروش می‌رساندند. کنترل این سیستم بازرگانی در دستان سکاها ساکن دشت بود که در حال جداسازی بخش‌های جنگلی و ساحلی از یکدیگر بوده و بر هر دوی آنها نیز،

1. Nikonion, Tyras, Olbia, and Kerkititis

2. Eminakos

3. Kullanda and Raevskii, pp. 79-95.

4. Bug

5. Dnieper

چیره بوده‌اند.^۱ از دست رفتن زمین‌های کشاورزی سکاها در اُلبیا، تراس و نیکونیون، نتیجهٔ سیاست اقتصادیِ عامدانه‌ای بود که البته از آن‌ها متخصصینی در تجارت ساخت. سکاها در توسعهٔ قلمروی خود در بوسپوران،^۲ به دلیل وجود شهرهای یونانی، به موفقیت کمتری دست پیدا کردند. شاید در ابتدا موفق به تسخیر نِمفائوم^۳ شدند اما در ادامه، با اتحادی از دیگر شهرهای بوسپوران به رهبری پانتی‌کاپیوم، در مقابل خود روبرو شدند. در بعضی شهرهای بوسپوران همچون پانتی‌کاپیوم، پورتمئوس، تریتاک و مرمکیون، دیوارهای جدیدی برای شهر ساخته و یا دیوارهای پیشین مقاوم‌سازی شد.^۴ آن‌ها در این مقاومت در برابر سکاها موفق بوده و همین اتحاد، بعدها منجر به تشکیل پادشاهی بوسپوران به پایتختی پانتی‌کاپیوم شد. حضور کم‌رنگ یونانیان در نواحی جنوبی رودخانهٔ دان،^۵ این منطقه را به جولانگاه سکاها تبدیل کرد و موفقیت زیادی را برای آن‌ها به ارمغان آورد. در ربع سوم قرن ۶ پ.م تاگناروگ، تنها زیستگاه یونانیان در منطقه، با خاک یکسان شد. با این حال، سکاها همچنان نیازمند تجارت با یونانیان بودند و در اوایل قرن ۵ پ.م زیستگاهی با نام اِلیزائووکا،^۶ تبدیل به محل اصلی تعامل میان آن دو قوم در منطقه شد. جمعیت اِلیزائووکا متشکل از سکاها بود ولی تعداد اندکی از یونانیان نیز، در آنجا حضور داشتند.^۷ گسترش قلمروی سکاها در این منطقه، به حضور یونانیان پایان داد و تجارت با یونانیان به‌طور مستقیم در دستان سکاها قرار گرفت. بر اساس نوشته‌های هرودوت،^۸ چندین شاه سکاایی قابل شناسایی هستند: آریاپیتس؛^۹ که پسرش اسکالیز، از همسری یونانی به نام هیستریا^{۱۰} جانشین وی شد؛ و اکتاماسادیس فرزند آریاپیتس، از دختر شاه تراس، که اسکالیز را از پادشاهی خلع کرد. گمان می‌رود که

1. Vinogradof, 1989, pp. 81-109, cf. Marchenko.

2. Bosporan

3. Nymphaeum

4. Tolstikov

5. Don

6. Elizavetovka

7. Marchenko, Zhitnikov, and kopylov

8. Hdt 4.76-80

9. Ariapeithes

10. Histria

هیچگاه دست اُریکوس^۱ پسر سوم آریاپیتس، به تاج و تخت نرسید. این امر، عدم هرگونه ارتباط فامیلی بین این خاندان و خاندان ایدانتیرسوس را برای ما روشن می‌سازد. این پادشاهان، بر سکا‌هایی که کنترل شمال غرب دریای سیاه را در اختیار داشتند، حکمرانی می‌کردند.

مناسبات سیاسی ناحیه شمالی دریای سیاه در ۲۵ سال پایانی قرن ۵ پ.م، دستخوش تغییراتی شد. شهرهای یونانی از کنترل سکا‌ها خارج و بازسازی آن‌ها آغاز شد. در پایان قرن ۵ پ.م و در طول قرن ۴ پ.م، نه تنها شهر اُلبیا قدرت دوران پیشین خود را بازیافت، بلکه آن را نیز گسترش داد. حدود ۱۵۰ زیستگاه از این دوره به ثبت رسیده است.^۲ نواحی روستایی تراس و نیکونیون نیز به طور همزمان، در حال بازسازی بودند. این امر بیانگر عدم وجود هرگونه تهدید نظامی از سوی سکا‌هاست. سکا‌ها کنترل نیمفائوم را نیز در پایان قرن ۵ پ.م از دست دادند. شواهد باستان‌شناسی ما را به این فرضیه می‌رساند که در دهه‌های پایانی قرن ۵ پ.م سکا‌ها، درگیر کشمکش‌های داخلی بودند. همچنین احتمال ظهور موج جدیدی از مردم بَدوی و آمیخته شدنشان با سکا‌ها وجود دارد که موجب برهم زدن موقت ثبات آن‌ها در آن دوره شده است. قرن ۴ پ.م دوره شکوفایی فرهنگ سکا‌ها بود؛ تاریخ بسیاری از بناهای معروف سکا‌ها به این دوره باز می‌گردد. از ابتدای دهه هشتاد میلادی، حدود ۲۰۰۰ اثر از میان ۲۳۰۰ بنای سکایی، از جمله غنی‌ترین آرامگاه شاهی، قرن ۴ پ.م تاریخ‌گذاری شده‌اند.^۳

به طور کلی روابط میان یونانیان و سکا‌ها صلح‌آمیز بود و احتمالاً مناسباتی قومی، میان سکا‌ها و حاکم بوسپوران برقرار بوده است. تأثیر یونانی‌ها در هنر و فرهنگ سکایی در این دوره کاملاً مشهود است.^۴ بخش اعظم رخدادها در تاریخ سیاسی سکا‌ها در قرن ۴ پ.م با نام آتیاس^۵ گره خورده است.^۶ اقدامات وی از دهه ششم قرن ۴ پ.م در جنوب

1. Orikos

2. Vinogradov, 1989, pp. 135-50; Kryzhitskiĭ et al., pp. 96-151.

3. Chernenko et al., 1986, p. 345.

۴. بنگرید به: iii.

5. Ateas

6. Epit. 9.2; Strabo, 7.3.18; Polyaeus, Strat. 7.44; Luc., Macr. 10.

غرب قلمروی سکا و تراس آغاز و در سن ۹۰ سالگی با مرگش در نبرد با فیلیپ مقدونی به پایان رسید. آتیاس ابتدا حملاتی موفق به تریبالونی و ایستریانوی داشت و سپس با جدا شدن هم‌پیمانانش، در نبرد بعدی کشته شد. به درستی مشخص نیست که آتیاس رهبر تمام سکاها بود و یا تنها بر بخش غربی قلمرو حکمرانی می‌کرد؛ اما فرضیه دوم به واقعیت نزدیکتر است.^۱ سکه‌های به دست آمده از این دوره احتمالاً در شهر یونانی کالاتیس^۲ و در قلمروی تراس ضرب شده است.^۳ موضوع یاد شده و روابط میان آتیاس و فیلیپ، بیانگر این است که کنترل بخشی از این قلمرو، در راستای جنوب رودخانه دانوب که از دیرباز خارج از قلمروی اصلی در نظر گرفته می‌شده، برای مدت مشخصی در اختیار او بوده است. پیداست که از دست رفتن این ناحیه و بخشی دیگر از قلمرو در شمال رود دانوب، ماحصل شکست و مرگ آتیاس بود. با این وجود شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که هنوز سکا‌هایی زیر رود دانوب و در دوبروجا^۴ زندگی می‌کردند.

رویداد مهم دیگر در تاریخ سکاها، حمله زاپیریون،^۵ فرمانده اسکندر در سال ۳۳۱/۳۳۰ پ.م به منطقه گتای^۶ و سکاها بود.^۷ ارتش مقدونی متشکل از سی هزار جنگجو، به آلبیا یورش برد ولی در تصرف آن ناکام ماند و زاپیریون کشته شد. شاه دیگر سکایی یاد شده در منابع، آگاروس^۸ بود که دوش به دوش ساتروس دوم، در نبرد میان فرزندان پارسیدیس،^۹ شاه بوسپوران، جنگید. او احتمالاً حکمران سکا‌هایی بود که در جوار بوسپوران، در ناحیه کمیریان ساکن بودند.

فرهنگ سکایی به طور ناگهانی در ابتدای قرن ۳ پ.م از زادگاه خود، یعنی شمال دریای سیاه محو شد. دلایل این امر همچنان روشن نبوده و موضوع بحث است. احتمالاً

-
1. Andrukh, pp. 71-80.
 2. Callatis
 3. Stolyarik, pp. 21-34.
 4. Dobruja
 5. Zopyrion
 6. Getae
 7. Epit., 12.1.4.
 8. Agaros
 9. Pairisades

عواملی منفی همچون تغییرات آب و هوا، بحران اقتصادی ناشی از چرای بیش از اندازه دام‌ها، گسترش قلمرو توسط قوم تازه وارد سَرمتیان^۱ و مواردی از این قبیل، در پایان بخشیدن به دوره سکاهای تأثیرگذار بوده‌است.^۲ بی‌تردید قرن ۳ پ.م، دوران تاریک سکاهاست و ما هیچ بنای سکایی یا سَرمتی از این دوره در ناحیه شمالی دریای سیاه در اختیار نداریم. با این وجود، شکی در آغاز پیشروی قلمروی سَرمتیان در ابتدای قرن ۳ پ.م وجود ندارد. بر اساس شواهد، سَرمتیان در حدود سال ۲۸۰ پ.م به شبه جزیره کریمه یورش برده و راه خود را به سمت کرسونسوس هموار کردند.^۳

به‌نظر می‌رسد با شروع قرن ۳ پ.م، سکاهای توسعه قلمروی خود در زیستگاه یونانیان، که پیشتر تحت سلطه کرسونسوس بود را آغاز کردند. با شروع قرن ۳ پ.م، کرسونسوس احاطه خود بر شمال غرب کریمه، از جمله شهرهای کالوس لیمین^۴ و کِرکینیتیس^۵ را از دست داده و تنها در حفظ نواحی همجوار موفق بود.^۶ در آغاز قرن ۲ پ.م، حضور سکاهای تنها در قلمروی کریمه و نواحی پست‌تر رودهای نیپر و دوبروجا یافت می‌شد، که بعدها به «سکای صغیر»^۷ شهرت یافت. سکاهای برای بازیافتن فرهنگ و زندگی اصلی خود تلاش کرده اما هر روز بیشتر با تائوروی،^۸ قوم ساکن کوه‌های کریمه، در آمیخته می‌شدند. بر اساس شواهد، سکاهای کریمه در اواسط قرن ۲ پ.م، در حال ایجاد فرمانروایی جدیدی به پایتختی نیاپولیس^۹ بودند. با در نظر گرفتن این حقیقت که ردیابی باستان‌شناسی پیوستگی فرهنگی، میان سکاهای متأخر و سکاهای قرن ۴ پ.م امکان‌پذیر نیست؛ می‌توان دریافت که شاهان سکایی در نیاپولیس، حداقل در میان طبقات بالایی جامعه،

1. Sarmatians

Alekseev, 2003, p. 251۲. و دیدگاه‌های مختلف دیگر، به مجموعه مقالات در Maksimenko رجوع کنید.

3. Vinogradov, 1997.

4. Kalos Limen

5. Kerkitis

6. Shcheglov

7. Scythia Minor

8. Tauror

9. Neapolis

خود را "شاهان سکایی" می‌نامیدند.^۱ مؤلفین باستان و یونانیان ساکن شمال دریای سیاه نیز، آن‌ها را سکا در نظر می‌گرفتند.

فرمانروایی جدید سکایی، بسیار متأثر از فرهنگ هلنی بود که مشابه آن در قرن ۴ پ.م نیز وجود داشت. سکاها متأخر، روابط نزدیک و ازدواج‌های سیاسی خود را با حکومت بوسپوران حفظ کردند. ناحیه‌ای بسیار مهم در این قلمرو توسط آرگوتوس،^۲ همسر دوم کاماساری،^۳ ملکه بوسپوران، تسخیر شد.^۴ یونانی و یا سکایی بودن او کاملاً روشن نبوده و مرگ وی حدوداً در سال ۱۲۵ پ.م تخمین زده شده است. به نظر می‌رسد که اسکیلوروس،^۵ شاه معروف سکایی، در این دوره فرمانروایی می‌کرده است. وی نه تنها حکمران کریمه مرکزی و غربی (به غیر از کرسنسوس) بود، بلکه بر شمال غرب قلمروی شمالی دریای سیاه نیز حکمرانی می‌کرد. اُلبیا از لحاظ سیاسی به اسکیلوروس، کسی که با نام خود اقدام به ضرب سکه کرد، متکی بود. اسکیلوروس روابط نزدیک خود با بوسپوران را حفظ کرد و دخترش به همسری فردی به نام هراکلیدس^۶ از خاندان سلطنتی بوسپوران درآمد.^۷ اما نگرش خصم‌آمیز اسکیلوروس نسبت به کرسنسوس پابرجا ماند. قلمروی سکاها توسط نیروهای مهرداد اوپاتور^۸ و به فرماندهی دیوفانتیس^۹ مورد تهاجم قرار گرفت.

دیوفانتیس طی سال‌های ۱۱۰ تا ۱۰۷ پ.م و در سه مرحله، با تکیه بر حمایت کرسنسوس، دشمن دیرینه سکاها، شکست سختی را بر پالاکوس فرزند اسکیلوروس، (که پیشتر از دنیا رفته بود) تحمیل کرده و تمام استحکامات سکایی از جمله نیاپولیس را تصرف کرد. پس از این حملات، قلمروی پیشین سکاها و حتی اُلبیا، تحت کنترل مهرداد درآمد.

1. Vinogradov and Zaitsev

2. Argotos

3. Kamasarye . Pairisades II و مادر Pairisades III بیوه .

Vinogradov and Zaitsev, pp. 44-53 = SEG . CIRB, no. 75۴ . کتیبه آرامگاه آرگاتوس در نیاپولیس؛

LIII, no. 775

5. Skiluros

6. Heraclides

7. SEG XXXVII, no. 674

8. Mithradates Eupator

9. Diophantes

سکای صغیر در محدوده دوبروجا از اهمیت بسیار کمتری نسبت به قلمروی کریمه برخوردار بود. ما از یک سو به لطف روایتگران باستان و کتیبه‌ها و از سوی دیگر ضرب سکه توسط شاهان در شهرهای یونانی نواحی غربی واقع در شمال دریای سیاه، اطلاعاتی از وجود آن قلمرو در اختیار داریم. از سکه‌ها و کتیبه‌ها نام شش پادشاه سکایی در دوبروجا بر ما هویداست: تانوساکوس^۱، کانیتوس^۲، ساریاکوس^۳، آکروساکوس^۴، خاراسپوس^۵ و آیلیوس^۶ که بین نیمه دوم قرن ۳ پ.م و ابتدای قرن یکم پ.م حکمرانی می‌کردند. سکای صغیر در دوبرجا نیز همچون پادشاهی سکاهای کریمه، با توسعه قلمروی مهرداد اوپاتور پایان یافت.

زندگی سکاهای کریمه و نواحی شمال غرب دریای سیاه (بخش‌های جنوبی رودهای دوبروجا و نیپر) که تا آن زمان به یکجانشینی تبدیل شده بود، پس از دوران مهرداد نیز ادامه یافته و به تدریج با اقوام دیگر ترکیب شد. سکاهای در قرن ۱ پ.م دوباره قدرت گرفته و در دهه ششم این قرن، تدارک حمله‌ای به کرسنسوس را دیدند که حکومت روم را به مداخله واداشت. پلاوتیوس^۷ فرماندار مؤسیا، نبردی را در برابر آن‌ها آغاز کرد که موجب شکست سکاهای شد و پس از آن، رومیان نیروهایی را در کرسنسوس و دیگر نقاط، مستقر کردند. نام "سکاهای تائوری"^۸ چندین بار در منابع آن دوره ذکر شده که بیانگر اختلاط اقوام منطقه کریمه است. بر طبق شواهد باستان‌شناسی، در نیمه دوم قرن یکم پ.م و نیمه نخست قرن ۲ پ.م، اختلاط نژادی و پیشروی گسترده‌ای میان سکاهای و سمرتیان رخ داده است. منابع یونانی برای مدتی طولانی بعد از آن و تا سقوط بیزانس، از سکاهای نام برده‌اند. اما این عنوان از قرن ۴ پ.م اغلب به‌عنوان یک اسم جمع، برای وحشی‌های شمالی به‌کار رفته و ممکن است هیچ ارتباطی با سکاهای نداشته

-
1. Tanusakos
 2. Kanitos
 3. Sariakos
 4. Akrosakos
 5. Kharaspos
 6. Ailios
 7. T. Plautius Silvanus
 8. Tauro-Scythians

باشد. به‌عنوان مثال، نویسندگان بیزانسی از این اسم برای اشاره به مردمان کوچ‌نشینِ تُرک و اِسلاو استفاده کرده‌اند. همچنین واژهٔ «سکاها» با هدفی مشابه آنچه پیشتر عنوان شد، در منابع روم باستان مورد استفاده قرار گرفته‌است.



۲. باستان‌شناسی:

واژه «فرهنگ سکایی» با تعبیری کلی و جزئی در ادبیات باستان‌شناسی به کار می‌رود. در واقع فرهنگ باستان‌شناسی سکاهای به فرهنگ جلگه و جنگل اروپای شرقی (تقریباً از رود دانوب تا رود دان)، در قرون ۷ تا ۴ پ.م گفته می‌شود. بعضی از ویژگی‌های این فرهنگ همچون افسار اسب‌ها، سلاح‌ها و آثار هنری آن‌ها در اشکال حیوانی، شبیه همتای خود در آن سوی جلگه، حتی تا مغولستان است. به همین دلیل، برخی از محققین از فرهنگ سکایی در سبیری، آلتای، اورال و مناطقی از این قبیل سخن می‌گویند. متأسفانه واژه «فرهنگ سکایی» به درستی تعمیم داده نشده و این امر مشکلات زیادی را به وجود آورده است. اصطلاح باستان‌شناسی «فرهنگ سکایی» حتی در کاربرد جزئی خود، همچنان گسترده‌تر از مفهوم «فرهنگ سکاهای تاریخ» است. فرهنگ باستان‌شناسی سکایی نه تنها برای سکاهای شرق اروپا، بلکه برای کمیریان و مردم ساکن جنگل نیز به کار می‌رود.

سه مرحله مجزا در توسعه فرهنگ سکایی شایان ذکر بوده که نخستین مورد آن به فرهنگ سکایی ابتدایی معروف است. این فرهنگ در بخش جنوبی اروپای شرقی، مربوط به ناحیه‌ای بوده که اکنون شهری با نام نووچرکاسک^۱ در روسیه است. زمان انتقال از این دوره، همچنان مورد بحث بوده و برای آن تاریخ‌های متفاوتی بین قرن ۸ و اواخر قرن ۷ پ.م عنوان شده است. با بررسی تمام شواهد، می‌توان نیمه دوم قرن ۸ پ.م را معتبرترین زمان برای این گذار عنوان کرد^۲ و نیمه دوم یا انتهای قرن ۶ پ.م را پایانی بر آن در نظر گرفت.

از آنجایی که سکاهای قومی در حال کوچ بوده و زیستگاه دائمی نداشتند، فرهنگ ابتدایی آن‌ها با گورستان‌هایشان شناخته می‌شود. زیستگاه‌ها تنها در بخش جنگلی، جایی که مردم مستقر بودند، یافت شده است. مهمترین مقرهای سکاهای در قرون ۷ و ۶ پ.م در

. Novocherkassk\

. Kossack; Medvedskaya; Polin; Ivantchik, 2001a; Alekseev, 2003, pp. 129-52۲

انتهای شمال غرب و جنوب شرق قلمروی آن‌ها، بخش جنگلی رودخانه نیبر و قفقاز شمالی بوده، درحالی که در بخش جلگه موارد اندکی به ثبت رسیده است. این امر دلیلی بر عدم حضور آن‌ها در جلگه نبوده، چراکه بر طبق رسوم خود، عادت به دفن مردگان در نواحی مرزی قلمرو داشتند. چندین گورستان سکایی با تپه‌های مدفون در قفقاز شمالی کشف شده که طبقه اشرافی بعضی از افراد دفن شده در آن، قابل تشخیص است. مهمترین آن‌ها روستای کِلرمسکایا^۱ در نزدیکی مزارع کِراسو،^۲ ناوازادِنای،^۳ نارتان^۴ در نزدیکی روستای اولسکی و تپه مدفون در حوالی روستای کوسترومسکایا^۵ است. قبور زیر لایه‌های سنگ و خاک به شکل آرامگاهی مدفون شدند که اندازه آن‌ها با شخص دفن شده تناسب دارد و به عنوان قانونی تغییرناپذیر، مردگان در چاله‌های مربع یا مستطیل شکلی دفن شده و روی آن با چوب پوشانده می‌شد. در برخی موارد، آن‌ها مردگان خود را در طاق‌های سنگی یا چوبی، بالاتر از سطح زمین دفن کرده و سپس روی آن را با تپه خاکی می‌پوشاندند. جنازه معمولاً به شکل تمام قد و بر پشت خود دفن شده و به همراه وی، اسب‌های مدفون با افسار و زین کامل که تعدادشان ارتباط مستقیمی با وضعیت شخص مدفون داشته و همچنین از ۱۰ عدد در هر قبر تجاوز نمی‌کرده، مشاهده می‌شود. (تصویر ۲) در برخی موارد، علاوه بر اسب‌های جدا از یکدیگر، گروهی از اسب‌های متصل به ارابه نیز، کشف شده است. آداب دفن در آرامگاه‌های سلطنتی این دوره، به ویژه آرامگاه کِلرمس،^۶ مشابه خاکسپاری شاهان سکایی است که توسط هرودوت گردآوری شده است.^۷ در برخی از آرامگاه‌های اولسکی از جمله بلندترین آن با ۱۵ متر ارتفاع، بیش از ۴۰۰ اسب کشف شده^۸ و تعدادی دیگر تنها یادبودی مقدس بوده چرا که جنازه‌ای در آن‌ها پیدا نشده است. در تپه‌های مدفون قرن

-
1. Kelermesskaya
 2. Petrenko
 3. Petrenko, Maslov, and Kantorovich, Novozavedennoe II
 4. Batchaev, Nartan
 5. Olkhovskii, 1995, Kostromskaya
 6. Kelermes
 7. 4.71-72, Ivantchik, 2011
 8. Ivantchik and Leskov

۷ پ.م، غنائم جنگی تاخت و تاز سکاها به خاور نزدیک مشاهده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به شمشیر و تبر جنگی کلریمس (تصویر ۳) و ابزارهای ترکیبی ساخته شده در خاور نزدیک اشاره کرد. در تپه‌های مدفون ربع پایانی قرن ۷ پ.م، دیگر اثری از ابزار خاور نزدیک نبوده و به جای آن شاهد محصولات یونانی هستیم که نمایانگر آغاز روابط نزدیک سکاها با آنهاست. بخش جنگلی جلگه، منطقه دیگری است که مواردی ارزشمند و غنی در آن کشف شده است. مهمترین آنها گورستانی سلطنتی تپه مدفون لیتوی^۱ نام دارد که در سال ۱۷۶۳م در مرز بین جلگه و جنگل کاوش شد.^۲ اشیاء یافت شده در این سایت باستانی بسیار شبیه موارد کشف شده در کلریمس است و به احتمال زیاد شمشیر با غلافی طلائی به دست آمده از هر دو سایت، در یک کارگاه ساخته شده‌اند.^۳ سایت‌های اصلی کاوش در شمال رود نیپر و انشعابات آن واقع شده و مهمترین آنها موارد زیر است: پریپاتیکا^۴ - ژابوتین ۵۲۴^۵ - داروکا^۶ - ستارشایا موگیلا^۷ - ولکاوی ۲/۱۸۶۶^۸ - پوپووکا^۹ - استیلو ۱۵-۱۰^{۱۰} - گولای گورود ۳۸-۱۱^{۱۱} - بوبریکا ۳۵-۱۲^{۱۲} - سیناوکا ۱۰۰-۱۳^{۱۳} - مدوین ۲-۱۴^{۱۴} - ریپاخوواتایا موگیلا^{۱۵} - سولدکا ۲-۱۶^{۱۶} - شومکیو^{۱۷} - پوپووکا^{۱۸}.

1. Litoi
2. Pridik
3. Chernenko, 1980; Metdepenninghen
4. Skoryi, 1990, Perepyatikha
5. Zhabotin 524
6. Il'inskaya, 1975, pp. 20, 58-59, Dar'evka
7. Starshaya Mogila
8. Volkovcy 2/1866
9. Il'inskaya, 1968, pp. 24-26, 45, 59, Popovka 8
10. Klochko and Skoryi, pp.71-84, Steblevo 15
11. Gulyai Gorod 38
12. Il'inskaya, 1975, pp. 14-15, Bobrica 35
13. Il'inskaya and Terenozhkin, p. 271, Sinyavka 100
14. Kovpanenko, 1977, Medvin 2/III
15. Il'inskaya, Mozolevskii, and Terenozhkin, Repyakhovataya Mogila
16. Solodka 2
17. Shumeiko
18. Il'inskaya, 1968, pp.32-33, 43-44, 157-158, Popovka 3

در بعضی از آرامگاه‌های طاقی، شاهد به آتش کشیده شدن طاق، قبل از مدفون شدن آن هستیم. این آداب تدفین تا حدودی شبیه موارد یافت‌شده از سکاها متأخر است. به غیر از گورستان‌ها، تعداد قابل توجهی از زیستگاه‌های جلگه، مورد بررسی قرار گرفته که بعضی از آن‌ها دارای استحکامات و برخی دیگر فاقد سازه‌های دفاعی هستند؛ چند ده مورد از گونه نخست و موارد بسیار بیشتری از مدل دوم یافت‌شده که مهمترین آن‌ها در محدوده رود نیپر، سایت تراختمیروا^۱ متعلق به قرن ۶ یا ۷ پ.م و با مساحت ۶۰۰ هکتار، موترونینسکو^۲ متعلق به قرن ۷ تا اوایل ۵ پ.م و با مساحت تقریبی ۲۰۰ هکتار و پاسترسکو^۳ به مساحت ۱۸ هکتار متعلق به قرن ۶ الی ۳ پ.م است.

بزرگترین محوطه باستانی بخش جنگلی متعلق به قرون ۸ تا ۴ پ.م، با نام پلسکو^۴ در حاشیه شرقی رود نیپر و غرب رودخانه ورسکا^۵ واقع شده است. (تصویر ۴) این محوطه با استحکامات بیرونی ۳۰ کیلومتری، مساحتی معادل ۴۴۰۰ هکتار را به خود اختصاص داده که درون آن سه شهر با مساحت‌های ۱۲۰، ۶۷ و ۱۵ هکتار مجهز به برج و باروهایی دیگر، کشف شده است.^۶ نیمیروسکو^۷ متعلق به قرون ۷ الی ۶ پ.م، به مساحت ۱۰۰ هکتار واقع در بخش جنوبی رودخانه باگ، موردی بسیار خاص و قابل توجه در میان محوطه‌های باستانی بوده^۸ و ویژگی متمایزکننده آن، کشف تعدادی سفال یونانی، متعلق به پایان قرن ۷ پ.م بوده^۹ که گواهی بر تعامل یونانیان با شمال دریای سیاه است.

شهرهای مکشوفه سکایی ابعاد بزرگی داشته و با خندق و استحکامات محصور شده، که درون بعضی از آن‌ها برج و بارویی دیگر نیز مشاهده می‌شود. در تعدادی از این شهرها، ردیای آثار فلزی دیده می‌شود. زیستگاه‌ها با دیوارهایی از جنس خشت و دارای قاب چوبی محصور شده و تنها بخش کوچکی از محوطه‌های باستانی بزرگ، با

-
1. Fialko and Boltrik, Trakhtemirovo
 2. Motroninskoe Bessonova and Skoryi
 3. Yakovenko, 1968, Pastyrskoe
 4. Belskoe
 5. Vorska
 6. Shramko
 7. Nemirovskoe
 8. Smirnova
 9. Vakhtina

ساختمان‌های مسکونی است. این احتمال وجود دارد که فضاهای خالی هر شهر، توسط سکا‌های کوچ‌نشینی که به شکل فصلی به شهرها می‌آمدند، استفاده می‌شده است. محوطه‌های مهم دیگری از سکا‌های ابتدایی، همچون تپه‌های مدفون کریورژسکی^۱ در جناح شرقی رودخانه دونتز^۲ و تمیرگورا^۳ در کریمه، هر دو متعلق به قرن ۷ پ.م، در خارج از محدوده قفقاز شمالی و جنگل ثبت شده‌اند. ظروف نقاشی شده یونانی در این آرامگاه‌ها، گواهی است بر نخستین محصولات وارداتی سکا‌ها از یونان که نمونه‌های ابتدایی آن‌ها، با سرگاو نقره‌ای و حلقه طلایی تزئین شده‌اند. دست‌ساخته‌های متنوعی همانند افسار اسب (تصویر ۵) با تیغه برنزی و گوشه‌های رکابی شکل و یا تیغه آهنی با نوک دایره‌ای که با بست فلزی به رکاب متصل می‌شده، معرف محوطه‌های باستانی سکا‌های ابتدایی است. بست‌های فلزی اغلب از آهن با نوک صاف یا منحنی ساخته شده و در برخی موارد شاهد تولید آن با استخوان و تزئین اشکال حیوانی هستیم. همچنین بست‌های چوبی با نوک ساخته شده از استخوان، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است. این افسارها برای جلوگیری از درهم پیچیدن، جدا از زین ساخته و تزئین می‌شد. بر اساس شواهد موجود، تیر و کمان محبوب‌ترین سلاح در این دوره بود. (تصویر ۶).

کمان‌های سکایی دارای خمیدگی بیشتر بوده و در اندازه کوچکتری ساخته می‌شد. به این ترتیب استفاده از آن برای جنگجوی سوار بر اسب بسیار ساده‌تر بود. پیکان تیرها اکثراً از جنس برنز و در موارد اندکی از آهن یا استخوان ساخته می‌شد. پیکان‌های برنزی دارای نوک دو یا سه شعبه بوده و با گذر زمان شاهد تغییراتی در آن هستیم. تیرها با پیکان برنزی و کمان‌های همراه آن‌ها، پیشرفته‌ترین سلاح زمان خود بودند و از این رو ما ابتدا شاهد الگو برداری و استفاده از این سلاح در میان اقوام خاور نزدیک و سپس در تمامی نقاط هستیم. گوریتوی^۴ نام تیردانی است که هنگام تاخت و تاز به کار گرفته شده و از مدل دیگر آن در ابعاد بزرگتر، برای نگهداری نیزه‌هایی از جنس آهن به طول

1. Krivorozhskii

2. Donets, Mantsceвич, 1958; Alekseev, 2003, pp. 111-13

3. Temir-gora, Yakovenko, 1972

4. Gorytoi

۱/۷ تا ۲/۲ متر استفاده می‌شد. در برخی موارد، شاهد طراحی حلقه‌ای در انتهای نیزه‌ها هستیم. شمشیر آهنی و خنجر با نام آکیناکای^۱، از جمله دیگر سلاح‌های سکاها بودند. (تصویر ۷) به طور کلی این سلاح‌ها اندازه کوچکی داشتند (۵۰ الی ۷۰ سانتیمتر) اما از شمشیرهای بلند نیز در دوره سکاها ابتدایی استفاده شده‌است. هم در خنجر و هم در شمشیرها شاهد طراحی شکل قلب (طرح کلیه یا پروانه) روی دسته، در محل اتصال تیغه هستیم. در این دوره استفاده از کلنگ با تیغه آهنی و اتصال برنزی و دیگر اشکال کلنگ نیز مرسوم بوده است. بقایای زره‌هایی ساخته شده از صفحات برنزی یا آهنی با لایه چرمی دوخته شده روی آن، در قدیمی‌ترین محوطه‌ها کشف شده‌است. به عنوان ابزار جنگی دیگر در این دوره، می‌توان از کلاه‌خودی با قاب برنزی و فضای خالی برای صورت جنگجو نام برد.^۲ طبق موارد کشف شده از تپه‌های مدفون، طراحی نوک اشیاء به شکل زنگوله‌ای بزرگ به همراه توپ کوچک درونش، با تندیس از سر یا بدن کامل حیوان و پرنده روی آن، بسیار رواج داشته است؛ با وجود اینکه در برخی موارد، ساخت آن‌ها از جنس آهن گزارش شده، اما مدل برنزی آن محبوبیت بیشتری داشته‌است. این طراحی‌ها ریشه در عقاید و آیین مردم وقت داشته؛ به گونه‌ای که در بعضی از حفاری‌های باستان‌شناسی، همراه بقایای ارابه‌ها و ارابه‌رانان و یا استخوان‌های اسب‌ها کشف شده‌اند.^۳

شاید بتوان آینه‌های بزرگ برنزی را بارزترین ویژگی سکاها ابتدایی نامید که در مرکز قسمت پشتی آن، دسته‌ای به شکل دایره‌ای و یا یک پلاک روی دو محور ساخته شده است.^۴ از دیگر یافته‌ها می‌توان به دیگ‌های برنزی، گرد و با ابعاد بزرگی اشاره کرد که اغلب روی یک بلندی واقع شده‌اند.

1. akinakai

۲. برای زره و تسلیحات سکایی رجوع شود به: Melyukova, 1964; Chernenko, 1968

3. Perevodchikova, 1980

4. Kuznetsova

دسته‌های دیگ به شکل افقی و اغلب به صورت پیکره حیوانی طراحی شده‌است. تندیس‌های انسانی، نقش سنگ قبر را بر روی تپه‌های مدفون ایفا می‌کنند.^۱ اشیاء متنوعی با نقوش حیوانی در محوطه‌های سکایی کشف شده (تصویر ۸) و با وجود اینکه، تفاوت در سبک هنری میان گروه‌های مختلف سکایی قابل تشخیص است، اما به طور کلی می‌توان از این سبک به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های سکاهای ابتدایی یاد کرد. خاستگاه فرهنگ سکاهای ابتدایی مشخص نبوده و همچنان موضوعی مورد بحث است. برخی نشانه‌ها از آسیای مرکزی بوده ولی به نظر می‌رسد که این خاستگاه در قلمروی شمالی دریای سیاه، در بخشی متأثر از فرهنگ قفقاز شمالی و اندکی در خاور نزدیک قابل تعریف است. با در نظر گرفتن طبقه‌بندی‌های مشخص ماده، می‌توان پیوندهای میان این فرهنگ و فرهنگ ماقبل سکایی در قلمروی شمالی دریای سیاه را مورد بررسی قرارداد.

تغییرات مهمی در فرهنگ مادّی گرای سکاهای در نیمه دوم قرن ۶ پ.م مشهود است. در اواخر قرن ششم، شاهد ظهور دوره‌ای هستیم که تا پایان قرن ۴ و اوایل قرن ۳ پ.م به طول می‌انجامد. برخی از محققین از آن به عنوان مرحله جدید توسعه فرهنگ سکایی (سکاهای کلاسیک یا فرهنگ سکاهای میانه) و دیگر پژوهشگران در قالب ظهور فرهنگ باستان‌شناسی جدید یاد می‌کنند.^۲ فرهنگ سکاهای در این دوره نیز همچون دوران پیشین، از طریق گورستان‌ها شناسایی می‌شود. موقعیت قرارگیری سایت‌های باستانی دستخوش تغییراتی شده و بیشتر آن‌ها در قسمت جلگه کشف شده‌اند. بیشترین تپه‌های مدفون، در محدوده تندآبهای رود نیبر واقع شده^۳ و به نظر می‌رسد که قفقاز شمالی در آن زمان، از سلطه سکاهای خارج شده بود. در تپه‌های مدفون ارزشمندی همچون «تپه‌های هفت برادر» و موارد دیگر، واقع در الیزاوتوکا و اولاپ، عناصر مختلفی از فرهنگ سکایی یافت شده‌است که ما را در شناخت هرچه بهتر مردم محلی آن زمان، یاری می‌کند. گورستان‌های متعددی از قرون ۵ و ۴ پ.م که بعضی از آن‌ها متعلق به

1. Ol'khovskii and Evdokimov

2. Alekseev, 2003, pp. 168-93

3. Mozolevskii, 1986

خاندان‌های اشرافی است،^۱ از بخش جنگلی به دست آمده که البته ارزش آن کمتر از موارد مکشوفه در دشت است. از میان با ارزش‌ترین سایت‌های به دست آمده از قرون ۶ و ۵ پ.م، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اُسترایا توماکوفسکایا موگیلا-^۲ زاوادسکایا موگیلا-^۳ نووگریگو اِوکا-^۴ ۵- راسکوپانا موگیلا^۵ (در بخش تندآب رود نیپر)- کولاکوفسکی^۶ (در کریمه).

اسامی بزرگترین و غنی‌ترین گورستان‌های اشرافی متعلق به قرن ۴ پ.م، به شرح زیر است:

سولوخا-^۷ بولشایا کیمبالکا-^۸ چرتوملیک-^۹ اُگوز-^{۱۰} الکساندریول-^{۱۱} کُزل^{۱۲}

اسامی گروه دوم گورستان‌های اشرافی به شرح زیر است:

پردیانسکی-^{۱۳} تولستایا موگیلا-^{۱۴} چمروا موگیلا-^{۱۵} پنج برادر ۸-^{۱۶} ملیتوپولسکی-^{۱۷} زلتوکامنکا-^{۱۸} کراسنوکوتسکی^{۱۹}

تا کنون حدود ۳۰۰۰ گورستان سکایی متعلق به قرن ۴ پ.م در ناحیه شمالی دریای سیاه حفاری شده که این عدد، بیشتر از تمام گورستان‌های مکشوف سکایی در دوران پیشین است. گورستان‌هایی از دوران سکایی در شهرهای یونانی نیز کشف شده که

-
1. e.g., Ryzhanovka; see Chochorowski and Skoryi
 2. Ostraya Tomakovskaya Mogila, Il'inskaya and Terenozhkin, pp. 98, 103
 3. Zavadskaya Mogila 1, Mozolevskii, 1980, pp. 86-112
 4. Novogrigor'evka 5, Samokvasov, pp. 121-23
 5. Raskopana Mogila, Evarnitskii; Il'inskaya and Terenozhkin, pp. 99-101; Alekseev, 1987
 6. Kulakovskii, Koltukhov, 1998
 7. Solokha, Mantsevich, 1987
 8. Bol'shaya Cymbalka, OAK 1867, pp. XII-XVI; Il'inskaya and Terenozhkin, p. 149
 9. Chertomlyk, Rolle, Murzin, and Alekseev
 10. Oguz, Fialko
 11. Alexandropol, Lazarevskii; Il'inskaya and Terenozhkin, pp. 136-38
 12. Kozel, Il'inskaya and Terenozhkin, pp. 149-50
 13. Berdyanskiĭ, Boltrik, Fialko, and Cherednichenko
 14. Tolstaya Mogila, Mozolevs'kyi, 1979
 15. Chmyreva Mogila, Alekseev, 1985
 16. Five Brothers 8, Shilov, p. 150
 17. Melitopol'skiĭ, Terenozhkin and Mozolevskii
 18. Zheltokamenka, Mozolevskii, 1982
 19. Krasnokutskii, Melyukova, 1981

گورستان نمفائوم^۱ و محوطه بسیار غنی کول‌آبا^۲ در نزدیکی پانتی‌کاپیوم، از جمله آن‌هاست. مورد اول به احتمال زیاد، نشانگر روابط نزدیک و حتی خانوادگی میان اشراف سکایی و نمفائوم و مورد دوم مربوط به خاندان سلطنتی اسپارتوکیدها^۳ یا بوسپوران است.

شاهد ظهور آیین جدید تدفین در انتهای قرن ۶ پ.م هستیم. در شیوه جدید، اجساد همچنان در گودال‌هایی بزرگ دفن شده و سازه‌ای به نام کاتاکومب^۴ با ورودی عمودی و اتاق‌های منشعب، روی آن طراحی و اجرا شده‌است. (تصویر ۹)^۵ تعداد کاتاکومب‌ها در قرن ۵ پ.م روبه افزایش گذاشت و در قرن ۴ پ.م شاهد استفاده وسیع آن در تدفین اشراف هستیم. در این دوره، تنها مردم عادی در گودال‌ها دفن می‌شدند و همچنین شاهد ظهور طاق‌های سنگی هستیم، که تکنیک آن وامدار یونانیان است. تدفین اشراف در این دوره، همانند سابق، به همراه چندین اسب انجام می‌شود که البته بعدها شاهد جدا شدن آن‌ها از یکدیگر هستیم. تدفین شاه، همواره با تدفین سه تا ده نفر از اطرافیان بسیار نزدیک او، همراهی می‌شد که این امر در ۳۸ مورد از ۴۰ گورستان کشف‌شده از قرن ۴ پ.م، مشهود است. در این دوره زمانی، تدفین زنان در طبقه اشراف و عادی، توسط نزدیکترین مرد آنان همراهی می‌شد.

به غیر از گورستان، محوطه‌های باستانی دیگری نیز از این دوره کشف‌شده‌است. تعداد قابل توجهی از شهرهای آغازین سکاه در بخش جنگلی، قدمت بیشتری از نواحی دیگر دارند؛ به عنوان مثال، محوطه ختوسکو^۶ متعلق به اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۴ پ.م، فضایی معادل ۳۰ هکتار را به خود اختصاص داده‌است.

1. Silant'eva
2. Grach
3. Spartokids
4. catacombs

۵. برای آیین تدفین سکاه رجوع شود به: Ol'khovskii, 1991

6. Khotovskoe

دائمی‌ترین زیستگاه سکاها در این دوره، شهر کامنسکو^۱ در مجاورت رودخانه نیپر بوده که حیات در آن، از اواخر قرن ۵ تا اوایل قرن ۳ پ.م جریان داشته‌است. این شهر با مساحتی معادل ۱۲ کیلومتر مربع، توسط استحکامات و آب رودخانه نیپر، حفاظت می‌شده است. احتمالاً شهر کامنسکو، بزرگترین تأمین‌کننده قطعات فلزی برای سکاهاى کوچ‌نشین بوده است. با این حال بخشی از مردم به کشاورزی مشغول بودند.

ساختمان‌های مسکونی با ابعاد تقریبی ۱۰×۲۰ متر و متشکل از چندین اتاق، بر روی سطح زمین ساخته شده‌اند و در برخی حفاری‌ها، پناهگاه‌های بیضی و مستطیلی شکل نیز کشف شده‌اند. ساخت و سازها تنها در قسمت کوچکی از شهر انجام شده و به نظر می‌رسد که اینجا به غیر از جنبه تولیدی، از اهمیت سیاسی نیز برخوردار بوده‌است. این احتمال وجود دارد که مکانی به عنوان مقر پادشاه، برای تردد فصلی او به شهر در نظر گرفته شده باشد. از شواهد پیداست که بعضی از سکاها در قرن ۴ پ.م به زندگی کشاورزی، که بیشتر در انحصار مردم بخش جنگلی بود، روی آوردند. در مجموع، تعداد شهرهای دارای برج و بارو و یا بدون استحکامات در بخش‌های جنوبی رود نیپر رو به افزایش گذاشت، که حرفه اصلی مردمشان کشاورزی بود.^۲ بخشی از جمعیت ساکن در گرا^۳ و آلبیا نیز، اصالتی سکایی داشتند. در قرون ۵ و ۴ پ.م، شاهد بروز تغییراتی در فرهنگ استفاده سکاها از مواد و عناصر پیرامون هستیم. در نیمه دوم قرن ۶ پ.م، شکل افسار اسبان به طور کامل تغییر کرد. (تصاویر ۵ و ۱۰) تیغه‌های برنزی با نوک رکابی شکل ناپدید و با مشابه آهنی با گوشه‌های دایره‌ای جایگزین شد. بست‌های مورد استفاده در دوره قبل، اکنون شکلی جدیدی به خود گرفته است؛ آن‌ها دارای دو سوراخ بوده و به تیغه متصل نیستند و همچنین گوشه‌های این بست‌ها اکنون داخل حلقه چفت می‌شود. بست‌های فلزی افسار اسب در این دوره، از جنس آهن و برنز ساخته می‌شدند. این بست‌ها در قرن ۵ پ.م به شکل حرف اس (S) در زبان انگلیسی یا ال (L) برعکس دیده می‌شد؛ اما در قرن ۴ پ.م شاهد ساخت آن‌ها به شکل حرف سی (C)

1. Kamenskoe, Grakov; Gavriilyuk, pp. 28-60

2. Gavriilyuk, pp. 28-85, 155-70

3. chora

هستیم. البته بست فلزی به شکل سی در قرن ۵ پ.م هم یافت شده اما پیداست که استفاده از آن رایج نبوده است. تیر و کمان، همانند قبل، سلاح محبوب این دوره نیز در نظر گرفته می‌شود. (تصویر ۶) شکل کمان بدون تغییر باقی‌ماند اما در ظاهر تیر شاهد تغییراتی هستیم. نمونه‌های پیشین دارای پیکان سه شعبه برنزی و متقارن، با برآمدگی ظریفی روی آن بودند که در گذر زمان دستخوش تغییرات اندکی شد. علی‌رغم بروز این تغییرات، تا پایان زندگانی سکاها، شاهد استفاده از این نمونه تیرها هستیم. سرنیزه‌ها نیز در این دوره به قافله تغییرات پیوستند و اکنون نظاره‌گر کشیدگی بیشتر با حفظ تقارن در آن‌ها هستیم. آکیناکای آهنی با تغییر در اتصال صلیبی و گوشه‌ها، همچنان مورد استفاده است. (تصویر ۷)

در قرن ۵ پ.م، اتصال صلیبی شمشیر نازکتر شده و در انتهای آن از طراحی پنجه حیوانات استفاده می‌شد. (به شکل دو پنجه یا شاخ) بیشتر شمشیرها و خنجرها در قرن ۴ پ.م دارای اتصال صلیبی نازک و سه گوش، شکاف در لبه پایینی و دسته بیضی شکل بودند. استفاده از کلاه‌خود ساخت کوبان، در اوایل قرن ۶ پ.م پایان یافت و در نیمه دوم این قرن، کلاه‌خودهایی از جنس پوست حیوانات و ورقه‌های آهنی جایگزین آن شد. کلاه‌خودهای یونانی همچنان استفاده گسترده‌ای داشت؛ با وجود اینکه نمونه‌های آتنی بیشتر از همه دیده شده، اما مدل‌های کورینتی،^۱ گل‌سیدیسی^۲ و تراسی نیز مورد استفاده بوده‌است. در کنار کلاه‌خودهای یونانی، ساق‌بندهای آنان نیز از محبوبیت ویژه‌ای در قرن ۴ پ.م برخوردار بوده‌است.^۳ زره‌ها در این دوره تقریباً تمام بدن جنگجو را می‌پوشانده و برای ساخت آن از ورقه‌های برنزی و آهنی استفاده می‌شده است. به نظر می‌رسد که طراحی نوک اشیاء در قرون ۵ و ۴ پ.م، نمونه پیشرفته‌ای از مدل‌های پیشین باشد که اشکال حیوانی و در برخی موارد انسانی، محبوب‌ترین آن‌هاست. در قرن ۵ پ.م، آیین‌های سابق ناپدید و با نمونه‌های جدیدی دارای دسته در طرفین، جایگزین

1. Corinthian
2. Chalcidic
3. knemides

شدند. از این رو، در نیمهٔ دوم قرن ۶ پ.م، شاهد ظهور آیین‌های هستیم که در شهر البیا ساخته و دسته‌های آن در طرفین، با نقوش هیولا تزئین شده‌است. همچنان شاهد حضور تندیس‌های انسانی با سبکی متفاوت، بر روی گورها در قرون ۵ و ۴ پ.م هستیم. دست‌سازها هنوز هم جایگاه خود را در فرهنگ سکایی حفظ کرده اما بروز تغییراتی در سبک آن، اجتناب ناپذیر است. بنابراین برخی از اشکال مورد استفاده برای همیشه ناپدید و با طرح و موضوعات جدید جایگزین شده‌است. (تصویر ۸) بخشی از این تغییرات را می‌توان ماحصل توسعهٔ داخلی و بخش دیگر را نتیجهٔ تأثیرات برون‌مرزی تلقی کرد. کشف حکاکی‌های متعدد در گورستان‌های سلطنتی متعلق به قرن ۴ پ.م که به دست هنرمندان یونانی صورت گرفته، نمایانگر چیزی جز تأثیر عمیق یونانیان در این دوره نیست. برخی از عناصر به کار رفته در اشیاء در قرون ۵ و ۴ پ.م، نشان‌دهندهٔ پیشرفت سکاها نسبت به دورهٔ پیشین است و به دلیل ورود اقوام جدید اوراسیا در نیمهٔ دوم قرن ۶ پ.م به ناحیهٔ شمالی دریای سیاه، شاهد کشف اشیاء وارداتی در محوطه‌های سکایی هستیم. به احتمال زیاد، اختلاط اقوام تازه وارد و سکاها، فرهنگ جدیدی را در منطقه پدید آورد^۱ و همچنین ارتباط نزدیک با یونانیان، موجب گسترش فرهنگ هلنی در منطقه گشت.

دورهٔ پایانی در توسعهٔ فرهنگ سکایی، «فرهنگ سکاها متأخر» نام دارد که از قرن ۳ پ.م تا قرن ۳ میلادی در محدودهٔ کریمه و قسمت‌های جنوبی رود نیپر پدید آمد. این فرهنگ از دیدگاه باستان‌شناسی، وجه اشتراک بسیار کمی با فرهنگ سکایی در قرن ۴ پ.م دارد. فرهنگ سکایی متأخر از ترکیب سنت‌های فرهنگ سکایی، رسوم مردم ساکن در ارتفاعات کریمه، قوم تائوری و یونانیان مجاور دریا در اواخر قرن ۳ پ.م و اوایل قرن ۲ پ.م شکل گرفت. مردم سکای صغیر استقرار یافتند و حرفهٔ اصلی آنان کشاورزی و دامپروری است. تعاملات در این دوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و سکاها متأخر نقشی میانجی را برای تبادل کالا میان جهان کلاسیک و بربرهای جلگه ایفا می‌کنند.

1. Alekseev, 2003, pp. 168-93

مهمترین مقر سکا‌های کریمه، نیاپولس، پایتخت سکا‌های متأخر بود^۱ که از پایان ربع اول قرن ۲ پ.م تا ربع دوم قرن ۳ میلادی، مورد استفاده قرار گرفت. (تصویر ۱۱) نیاپولیس به دیوار دفاعی دارای برج مجهز، و درون آن خانه‌های سنگی و آجری ساخته شده بود. در معماری ساختمان‌ها از شیوه یونانی استفاده شده و استحکام آن‌ها متغیر است. پناهگاه‌ها و سازه‌های دیگری مرتبط با رسوم بربرها، و همچنین کاخ پادشاهی از قرن ۲ پ.م در نیاپولیس کشف شده‌است. آرامگاه آرگوتوس که در طراحی آن از نیسکوس^۲ با نقش برجسته و کتیبه یونانی استفاده شده، از جمله بناهایی است که در حدود سال ۱۲۵ پ.م، در مقابل کاخی در منطقه دوریس ساخته شده‌است. دومین آرامگاه این دوره در حدود سال ۱۱۵ پ.م و در نزدیکی دروازه‌های نیاپولیس، بیرون از دیوار دفاعی ساخته شده که به مقبره اسکیلوروس مشهور است.^۳ پس از شکست پادشاه سکایی توسط دیوفاتیس در دهه پایانی قرن ۲ پ.م، مقر پادشاهی دوباره ایجاد نشد و نیاپولیس عظمت پیشین خود را از دست داد. مجموعه‌ای از ساختمان‌های یونانی از شروع قرن ۱ پ.م تا پایان حیات نیاپولیس، در بخش شمالی ساخته شد. این مجموعه متعلق به اواسط قرن ۲ و نیمه اول قرن ۳ میلادی، اکنون با نام «کاخ شمالی» شناخته می‌شود. این امکان وجود دارد که نیاپولیس، حداقل برای بعضی از سکا‌های متأخر، پایتختی سیاسی باقی‌مانده باشد. تغییراتی اساسی در نیمه دوم قرن ۱ تا میانه قرن ۲ میلادی، در نیاپولیس رخ داد. با وجود حفظ دیوار دفاعی و بناهای مذهبی، تقریباً ساختمانی در آن باقی نماند. شاید بتوان این امر را نتیجه جایگزینی مردم شهر با کوچ‌نشینانی دانست که از نیاپولیس تنها به عنوان محلی امن برای چادر زدن استفاده می‌کردند. تغییر مذکور و همچنین دگرگونی در آداب تدفین و بروز ویژگی‌های جدید فرهنگی، ما را به این فرضیه می‌رساند که بخشی از سکا‌های متأخر در تلاش برای تداوم

1. Vysotskaya, 1979; Zaïtsev, 2004

2. Naikos

طراحی کوچک یا به عبارتی ماکت آرامگاهی که در تزیینات مقبره اصلی در دوران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفته.

۳. مقبره به شکل سالم کشف شده‌است، Shul'ts; Zaïtsev, 2001

دوران ماقبل خود بوده و بخش دیگر با اقوامی همچون سَرمتیان ادغام شدند.^۱ نیاپولیس بین ربعِ آخرِ قرن ۲ و میانهٔ قرن ۳ میلادی، به زیستگاهی بی‌دفاع با ساختمان‌های پراکنده تبدیل شد.

علاوه بر نیاپولیس، فرهنگِ سکاها متأخر را می‌توان از زیستگاه‌های متعدد آنان (بیش از ۱۰۰ مورد به ثبت رسیده) و گورستان‌های همجواریش شناخت. حفاری‌های اخیر در آک-کایا/ویشنو به ما نشان می‌دهد که این شهر، قبل از نیاپولیس، از اهمیت سیاسی خاصی برای سکاها کریمه در قرون ۳ و ۲ پ.م برخوردار بوده‌است. دژی مستحکم و با حافظتِ بالا در این محل ساخته شده که شیوهٔ برپایی آن کاملاً یونانی است.^۲ محوطه‌های باستانی مربوط به سکاها متأخر، در دو ناحیهٔ اصلی کشف شده‌اند: دامنهٔ کوه‌های کریمه و نواحی همجوار آن و سواحل غربی کریمه.^۳ برخی از این موارد همچون شهرهای کالوس‌لیمین و کرکینیتیس، بر روی شهرهای یونانی دوران پیشین و برخی دیگر در نواحی بکر دایر شده‌اند. تعدادی زیادی از شهرهای ساحلی در این دوره، بنادر تجاری بودند. بولگاناک،^۴ اُست-آلما^۵ و کرمن-کیر،^۶ بزرگترین شهرهای سکاها متأخر بعد از نیاپولیس و آک-کایا، در محدودهٔ کریمه بودند^۷ که شاخصهٔ همهٔ آن‌ها، ترکیبی از سنت معماری یونانی و سکایی است. گروه خاصی از زیستگاه سکاها، در مجاورت بخش‌های جنوبی رود نیپر قرار گرفته‌است.^۸

سکاها متأخر را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: سکاها دفن شده در تپه‌های مدفون و گورستان‌های مسطح. طاق‌های سنگی زیر تپه قرار داشته و تعداد افراد مدفون، از چند نفر تا بیش از ۱۰۰ نفر متغیر است. چنین خاکسپاری‌هایی در قرن ۲ پ.م بسیار رواج

. Simonenko, pp. 116-17; Zaitsev, 2004, p. 381

۲. تا کنون فقط گزارشات اولیه منتشر شده‌است، cf. Zaitsev, 2015

۳. Smekalova, Koltukhov, and Zaitsev

4. Bulganak

5. Ust-Alma

6. Kermen-Kyr

7. Vysotskaya, 1994; Dashevskaya, 1957; Koltukhov, 1999b

8. Pogrebova; Vyaz'mitina; Gavriilyuk, pp. 317-42

داشته اما مواردی نیز در قرون ۱ و ۲ میلادی مشاهده شده است.^۱ تعداد گورستان‌های مسطح در این دوره شایان ذکر بوده و سه مورد آن در نزدیکی نیاپولیس کشف شده است.^۲ گورستان‌های زیادی حفاری شده که بیشترین بررسی روی بزرگترین آن‌ها، اُست-آلما، صورت گرفته است.^۳ ویژگی بارز گورستان‌های قرون ۲ پ.م تا ۱ میلادی، طاق‌های سنگی بوده که در بسیاری از موارد، زیر لایه‌های خاک مدفون شده است. (در هر گور تا ۴۰ اسکلت انسان) تدفین جنازه به شکل درازکش و بروی پشت انجام شده است. در نیمه دوم قرن ۱ و نیمه اول قرن ۲ میلادی، شاهد تغییراتی تدریجی در خاکسپاری هستیم. در این دوره، طاق‌ها تنها برای گورهای انفرادی دارای اتاق جانبی ساخته شده و دیگر در نمونه‌های دسته‌جمعی یافت نمی‌شوند. همچنین خاکسپاری تنها در گورهای ساده و مسطح صورت می‌پذیرد.^۴

به طور کلی می‌توان اذعان داشت که فرهنگ مادی سکا‌های متأخر، تفاوت قابل لمسی با همتای یونانی خود در شهرهای همسایه ندارد.^۵ برخی از محققین^۶ بر اساس همین فرض، بخشی از جمعیت شهرهای سکایی در نواحی جنوبی رود نیبر را، یونانی در نظر می‌گیرند. بی‌تردید عناصر کلاسیک دیگر همچون لاتین^۷ و سمرتیان نیز، نیازمند مشاهده و بررسی است.

۳. فرهنگ معنوی، مذهب و هنر:

فرهنگ غیرمادی سکایی همچون اسطوره‌شناسی، مذهب، حماسه و غیره، به دلیل فقدان زبان نوشتاری، تنها از طریق شواهد غیرمستقیمی که صحت آن مورد بحث است، استنباط می‌شود. اطلاعات در این زمینه از نوشته‌های مؤلفین کلاسیک، یافته‌های دیگر سُنن ایرانی و شواهد باستان‌شناسی، جمع‌آوری شده است. اسامی خدایان مورد ستایش

1. Koltukhov, 2001; Zaitsev and Mordvintseva, pp. 174-75

2. Babenchikov; Symonovich; Puzdrovskii, 2001

3. Vysotskaya, 1994; Loboda, Puzdrovskii, and Zaitsev; Puzdrovskii and Trufanov

4. Zaitsev and Mordvintseva, pp. 176-77

5. Dashevskaya, 1991; Zaitsev and Mordvintseva, pp. 177-88

6. Gavrilyuk and Krapivina

7. La Tène

سکاها و برابری آن‌ها با همتای یونانی‌شان، توسط هرودوت مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ وی ابتدا از تَبیتی^۲ و هستیا^۳ نام برده و در ادامه اسامی پاپایوس (زئوس)،^۴ آپی (گایا)،^۵ ایتُسیُوس (آپولو)،^۶ آرگیمپاسا (افرودیت اورانیا)^۷ و تاگیماسیداس (پوزئیدون)^۸ را ذکر کرده است. اگرچه هرودوت ستایشِ هراکلیس^۹ و آرس^{۱۰} را نیز مطرح کرده، اما برای آن‌ها اسامی سکایی ذکر نکرده است. پیشینهٔ اسامی خدایان سکایی را می‌توان در ریشه‌های ایرانی جستجو کرد که برخی از آن‌ها نسبت به دیگری، متقاعدکننده‌تر است. معمولا تَبیتی به عنوان الههٔ آتش، پاپایوس حکمران بهشت و آپی خدای آب‌ها و زمین، شناخته می‌شوند. تصاویر خدایان دیگر واضح نبوده و بیشتر، فرضی به نظر می‌رسد. آرگیمپاسا معمولا به عنوان خدای باروری شناخته شده و با آناهیتا مقایسه می‌شود و همچنین نظاره‌گر قیاس تاگیماسیداس، خدای آب‌ها و محافظ اسب‌ها، با آپام نیات،^{۱۱} خدای اوستایی هستیم. زمانی که هفت خدای دیگر توسط سکاها پرستیده می‌شدند، تاگیماسیداس از جایگاه مجزایی در لیستِ هرودوت برخوردار بوده و فقط توسط سکاها‌ی اشرافی پرستیده می‌شده است. جایگاه ایتُسیُوس روشن نبوده و با میترا یا وایو^{۱۲} مقایسه می‌شود و همچنین از شواهد پیداست که می‌توان هراکلیس را به عنوان جد^{۱۳} سکاها در نظر گرفت. آرس دیگر خدای مجزا در لیستِ هرودوت بوده و با استناد به او، سکاها برای هیچ یک از خدایان خود تندیس، قربانگاه و یا معبدی نساختند و آرس از این قاعده مستثنی است.^{۱۴} سمبل‌های مقدس آرس، به شکل سازه‌ای با پایه‌های

1. 4.59, cf. 4.127

2. Tabiti

3. Hestia

4. Papias (Zeus)

5. Api (Gaia)

6. Goitosyros/Oitosyros (Apollo)

7. Agrimpasa/Artimpasa/Arippasa (Aphrodite)

8. Thagimasadas (Poseidon)

9. Heracles

10. Ares

11. Apam Napāt

12. Vāyu

۱۳. در نسخهٔ اول افسانه، تارگیتائوس و در نسخهٔ دوم، هراکلیس جد سکاها بوده است. cf. Hdt., 4.5-10

۱۴. برای خدایان سکایی رجوع شود به: Bessonova, pp. 25-59

چوبی و صفحه مربعی روی آن، در سراسر قلمرو گسترده بوده که یک آکیناکس آهنی به عنوان نمادی از آرس، بر روی آن قرار می‌دادند. قربانی کردن گوسفند، بز و اسب برای خدایان امری مرسوم بود، اما این تنها آرس بود که از قربانیان انسانی نیز بهره‌مند می‌شد. بر طبق شواهد باستان‌شناسی، تاکنون حداقل یکی از معابد آرس شناسایی شده که با ارقام هرودوت فاصله زیادی دارد.^۱ نام دیتاگویا^۲ به عنوان دیگر خدای سکایی، توسط سینامونیس،^۳ دختر اسکیلورس، ذکر شده و در پانته‌کاپیوم کشف شده است.^۴ می‌دانیم که سکاها روحانیون حرفه‌ای در اختیار داشتند اما پرسش اصلی این است که آن‌ها زاده جریانی کاملاً مجزا هستند و یا به طور کلی شاهد نمونه توسعه‌یافته پیسترا،^۵ سیستم ایرانی باستانی، در جوامع سکایی هستیم.^۶ گروهی ژرپوش^۷ در میان روحانیون وقت حضور داشتند که هرودوت از آن‌ها با عنوان اناریس^۸ و بقراط دروغین^۹ به شکلی دقیق‌تر، با نام آناریس^{۱۰} یاد کرده است. آن‌ها اغلب با شمن‌های شناخته‌شده میان مردم اوراسیا یعنی مئولی‌ها، مقایسه می‌شوند. علی‌رغم وجود اشتراکات میان دو گروه، اساس محکمی برای تشخیص هویت آناریس‌ها وجود ندارد. به گفته هرودوت، قربانی با خون‌ریزی تنها مختص آرس بوده و در بقیه موارد، قربانیان حیوانی را خفه می‌کردند. افسانه اولین انسان و خاستگاهش،^{۱۱} پادشاهان و ساختار جامعه، نقش مهمی را در اسطوره‌شناسی سکایی ایفا می‌کند. این افسانه در میان داستان‌های ایرانیان دیگر منعکس شده و در قالب روایات مختلف، در نوشته‌های مؤلفین کلاسیک مشاهده

1. Boltrik; cf. Alekseev, 1980

2. Dithagoia

3. Senamotis

4. SEG XXXVII, no. 674

5. pištrā

6. Grantovskiĭ; Raevskiĭ, 1977, pp. 145-61; Bessonova, pp. 56-59; Ivantchik, 1999a

۷. فردی که لباس و رفتار خود را از جنس مخالف تقلید می‌کند، transvestite

. Enareēs, ἐνάρεες; 1.105.4; 4.67.2A

9. Pseudo-Hippocrates

10. ἀναρείς, شکل زنانه. anarya

11. i.e., Scythians

می‌شود.^۱ کامل‌ترین نمونه‌ای که کمترین تأثیر هلنی در آن مشاهده می‌شود، توسط هرودوت گردآوری شده‌است. تحلیل این افسانه در کنار دیگر اطلاعات،^۲ به ما نشان می‌دهد که عناصر حائز اهمیت در ایدئولوژی سکاه، به سه گروه یا طبقه اجتماعی ختم شده (جنگجویان، روحانیت و تولیدکنندگان) که زاده سه برادر و فرزندان اولین انسان است. هر طبقه با یکی از سه سطح کیهان، ارتباط مستقیم دارد: طبقه جنگجویان که پادشاهان را نیز شامل می‌شود، به جهان بالایی، روحانیت به سطح میانی و تولیدکنندگان به جهان زیرین وابسته است. ایده خُورنه،^۳ شامل خُورنه پادشاهی (فَر کیانی.م) که در آیین‌های متعدد ایرانی یافت می‌شود، از خورشید زاده شده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌است. اطلاعات به دست آمده از مؤلفین کلاسیک ما را به این فرض می‌رساند که سکاه، افسانه‌های حماسی متعلق به خود را داشتند. بدین‌گونه، بیشتر رسوم کلاسیک مرتبط با حکمرانی سکاه در آسیا، ریشه در حماسه سکایی دارد.^۴

هنر سکایی با اشکال حیوانی و بیشتر در تزئین اشیاء متنوع و البته روزمره، تعریف می‌شود. (افسار اسب، سلاح، ظروف و غیره) این هنر معروف به «سبک حیوانی» بوده و از الگوهای معدودی (حیوانات مشخص در ژست‌های استاندارد) پیروی می‌کند که در طول زمان، دستخوش تغییراتی شده‌است. اعضای خاصی از بدن حیوانات همچون شاخ، پنجه، سوراخ بینی، دهان هیولاها، گوش‌ها، منقار پرندگان و چشمان حیوانات به طور مشهودی بزرگنمایی می‌شود. در برخی موارد، شاهد طراحی یک حیوان یا قسمتی از بدن آن، بر روی حیوان دیگر هستیم؛ به عنوان مثال در یک مورد، بخشی از شاخ گوزن یا پنجه هیولا، به جای سر پرنده شکاری با منقار خمیده کار شده‌است. این شیوه، «دگرسازی حیوانی» نام دارد.^۵ با وجود ساختارهای متنوع طراحی در بخش‌های مختلف

1. Hdt., 4.5-7, 8-10; Diod. Sic., 2.43; Val. Flac. 6.48-68; IG XIV, 1293A, 94-97; Curt. 7.8, 17-18

2. Grantovskii; Raevskii, 1977, pp. 19-80; Ivantchik, 1999a; idem, 2001b

۳. Xwarrah, شکوه و عظمت، فَر

4. Ivantchik, 1999b; idem, 2005, pp. 162-89, 221-44

5. Kantorovich

قلمرو^۱ سبک حیوانی سکاها کاملاً خودساخته بوده و با نمونه‌های دیگر در مناطق اوراسیا تفاوت دارد.

حیوانات پرتکرار در این سبک هنری را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: پرنندگان، پستانداران و هیولاها. برای هر یک از آنها پیکرنگاری و الگوهای خاصی در نظر گرفته شده‌است. برای پرنندگان شکاری در بیشتر موارد بال‌های باز و کشیده طراحی شده اما در برخی از موارد شاهد ساخت آنها با بال‌های بسته هستیم. سر پرنندگان به هر دو شکل عادی و دگرسازی حیوانی کشف شده‌است. پستانداران بیشتر با پاهای جمع شده زیر بدن ساخته شده و شاهد کشیدگی سر آنها روبه جلو هستیم. در طراحی سر بزها و گوزن‌ها معمولاً چرخش به سمت عقب مشاهده می‌شود و به ندرت این حیوانات را در حالت ایستاده روی پاهای کاملاً صاف می‌یابیم. هیولاها، معمولاً گربه‌سانان، اغلب به شکل ماریچ دور حلقه ساخته شده‌اند که این طراحی، یکی از ابتدایی‌ترین و رایج‌ترین تصویرگری‌های حیوانی به شمار می‌رود. در مواردی دیگر، هیولاها با پاهای خمیده با زاویه ۹۰ و ۱۸۰ درجه نیز کشف شده‌اند. تشخیص گونه‌های حیوانی از یکدیگر مثل گرگ‌ها از گربه‌سانان، گونه گربه‌سانان از یکدیگر و گونه‌های پرنندگان شکاری، به ندرت امکان‌پذیر است و شاید سازندگان هم اهمیتی بر این موضوع قائل نبودند. تشخیص پستانداران همواره آسان بوده و گوزن، بز و قوچ از جمله رایج‌ترین آنها به شمار می‌رود. شایان ذکر است که در برخی از طراحی‌ها، تصاویر گوزن شمالی و اسب را نیز نظاره می‌کنیم. احتمالاً این سه گروه حیوانی نیز، ارتباط مستقیمی با سطوح کیهانی دارند؛ پرنندگان با سطح بالایی (بهشت)، پستانداران با افق میانی (زمین) و در نهایت هیولاها همانند ماهی‌ها و مارها که نقوش آنها کمتر استفاده شده، با سطح پائینی.^۲

استفاده از نقوش مخلوقات خیالی در سبک حیوانی سکایی مرسوم بوده اما در بیشتر موارد، این طرح‌ها از جای دیگری گرده‌برداری شده‌اند که محبوب‌ترین آنها، گریفین با سر عقاب است. به نظر می‌رسد که این تصویر، وام‌دار خاور نزدیک بوده و در سایت‌هایی

1. e.g., Shkurko, 1976; idem, 2000

2 Raevskii, 1985; Perevodchikova, 1994

کشف‌شده، که با قلمروی سکاها در تعامل بودند.^۱ گریفین‌ها به ندرت و البته با اعمال تغییراتی، در هنر سکاایی دوره‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفتند. این طرح به همراه گریفین با سر شیر، بار دیگر در قرن ۴ پ.م و تحت تأثیر یونانیان نمایان گشت. طرح دیگر و البته کاملاً بومی، گریفین پرنده شکاری با شاخ‌های قوچ است که احتمالاً تجسمی از خُورَنَه است.

سبک حیوانی و فرهنگ باستان‌شناسی سکاایی، به خوبی در اروپای شرقی گسترش یافت؛ هیچ یک از این عناصر در دوران ماقبل سکاایی این منطقه، شناخته نشده بودند. خاستگاه آن همچنان مورد جدال بوده و برخی از محققین بر این باورند که، سبک حیوانی سکاها تحت تأثیر خاور نزدیک، در طول حملات سکاها در قرن ۷ پ.م شکل گرفته است.^۲ فرضیه محکم‌تری این ایده را مطرح می‌کند که این سبک در بخش‌های شرقی دشت‌های اوراسیا و تحت تأثیر هنر چینی، به وجود آمده است. سبک حیوانی به دست آمده از محوطه‌های شرقی،^۳ در مقایسه با نمونه‌های اروپای شرقی^۴ از قدمت بیشتری برخوردار است. بعضی از دانشمندان با تطبیق هر دو ایده به این نتیجه رسیده‌اند که سبک حیوانی به طور همزمان و البته مستقل، در غرب و شرق اوراسیا، متأثر از خاور نزدیک و آسیای صغیر رشد یافته است. فرهنگ کاراسوک^۵ مثالی مناسب برای گروه اول و برنزهای اُردوس^۶ نمونه‌ای برای دسته دو است.^۷

با وجود اینکه انسان‌نگاری پدیده‌ای ذاتی در دین سکاهاست، اما تصویرگری‌های انسانی در آغاز هنر سکاایی، تنها بر روی گورها یافت می‌شود. (تصویر ۱۲)^۸ نقش جنگجویی مسلح، چشم‌بادامی، معمولاً با سبیل و بدون ریش و با دستانی شبیه آلت، بر روی تمامی سنگ قبرها دیده می‌شود. در برخی موارد شاهد اضافه شدن کمربند، کلاه‌خود،

1 Kelermes

2 Artamonov; Pogrebova and Raevskii, pp. 74-163

3 Arzhan burial mound

4 Jettmar; Kossack; Alekseev, 2003, pp. 55-57

5 Karasuk

6 Ordos

7 The "polycentric" theory; Perevodchikova, 1994

8 Ol'khovskii and Evdokimov

شمشیر، خنجر، تبر و گاهی شلاق نیز هستیم. شش تندیس در شمال شرق عراق کشف شد که به طور کلی معرف تندیس‌های ابتدایی سکاها بوده، اما تفاوت‌هایی در نمایش صورت (ریش به جای سیل) و قرارگیری دست‌ها در آن‌ها مشاهده می‌شود. تنها یکی از پیکره‌ها، تبری همراه خود دارد که آن هم به شکلی غیرمنتظره، به جای آویزان بودن از کمر بند، در دست اوست. ممکن است که این پیکره‌ها متعلق به کریمه‌ای‌ها یا سکا‌های حاضر در نبرد خاور نزدیک باشد که در آن‌جا مستقر شده و به مرور فرهنگ خود را از دست دادند. هنر سکایی در دوره‌های مختلف، در معرض تأثیرات خارجی بوده‌است. مهمترین دگرگونی در هنر سکایی، تأثیر پذیرفتن آن از هنر خاور نزدیک، در خلال نبرد با آنان در قرن ۷ پ.م بود. ظروف و دیهیم‌هایی که به وضوح، غنیمت یا پیشکشی دیپلماتیک از خاور نزدیک بوده، در گورستان‌های کِلِرمس و لیتوی کشف شده‌است. در طراحی این اشیاء از نقوش حیوانی مرسوم سکاها استفاده نشده اما در همین دوره، مواردی دیگر دارای این نقوش، احتمالاً توسط هنرمندان خاور نزدیک برای سکاها ساخته شده‌است.^۱ در حالی که کالاهای مختلفی به قلمروی سکاها وارد می‌شد، تعداد بیشماری از ساخته‌های خاور نزدیک به جوامع سکایی راه نیافت و دیگر تولید نشد. تشابه میان این کشفیات و اشیاء یافت‌شده در تپه زیویه کردستان، خودنمایی می‌کند،^۲ که اعلام نظر پیرامون محل دقیق اکتشاف، شیوه حفاری و خاستگاه این دست‌سازه‌ها بسیار دشوار است.^۳

سبک حیوانی در قرن ۵ پ.م، به دلیل افزایش نفوذ یونانیان و همچنین توسعه داخلی، دستخوش تغییراتی شد. این امکان نیز وجود دارد که ظهور اقوام جدید از شرق، نوآوری‌هایی را به وجود آورده باشد. نقوش از قالب طرح‌واره خارج شده و چشم‌ها، گوش‌ها و دهان حیوانات به شکلی واقع‌گرایانه ترسیم می‌شوند. سطح بدن حیوانات صیقلی‌تر شده و به طور همزمان، قسمت‌های مشخصی از بدن حیوانات و پرندگان، بیش از پیش بزرگنمایی می‌شود. برای مثال، منقار پرندگان به شکل ماریچی بزرگ طراحی

1. Chernenko, 1980; Metdepenninghen; Kisel', 1997; idem, 1998

2. Godard; Ghirshman

3. Muscarella

می‌شود. دگرسازی حیوانی همچنان محبوب بوده و استفاده از پای پستاندار یا هیولا در این تکنیک رواج دارد. نقش ماهی همچنان کاربرد اندکی داشته و طرح گوزن شمالی در بخش جلگه، به تعداد بیشتری به چشم می‌خورد. به تصویر کشیدن مجالس در سبک حیوانی قرون ۷ و ۶ پ.م، از جایگاهی برخوردار نبوده و حیوانات به صورت تنها و در موارد نادری به شکل ترکیب متضاد، ترسیم می‌شدند. از قرن ۵ پ.م به بعد و متأثر از هنر ایرانی-یونانی، شاهد نمایش صحنه‌هایی از نبرد حیوانات هستیم. همچنین مهمترین دلیل پدید آمدن نقوش گیاهی در هنر سکایی، چیزی جز تأثیر یونانی نیست. بی‌تردید کمترین الگو برداری از هنر یونانی در این دوره، متعلق به سنگ قبرهاست. شیوه ترسیم صورت دگرگون شده که گرد شدن چشم‌ها، استفاده کم از سبیل و افزایش ریش، دستاورد آن است. طراحی و شیوه قرارگیری دست‌ها دچار تغییر شده؛ همواره یک ریتون در دست چپ قرار دارد و شمشیر از جلوی پیکره به طرفین، نقل مکان کرده‌است. در قرن ۴ پ.م شاهد افزایش نفوذ هنر یونانی در میان سکاه‌ها هستیم. استفاده از سبک حیوانی ادامه یافته اما تمامی تولیدات، همچون حکاکی‌ها و پلاک‌ها، تحت تأثیر شدید و یا به دست یونانیان ساخته می‌شود. بعضی از آن‌ها دارای نقوش حیوانی و تعداد زیادی، نقوش انسانی و مجالس را در خود جای داده‌اند. معمولاً نقوش برگرفته از سنی سکایی است اما در برخی موارد مثل داستان آشیل، شاهد انتخاب سوژه‌های یونانی هستیم. بعضی از اشیاء کشف شده در تپه‌های مدفون سکایی، کاملاً یونانی بوده و در سبک هنری و سوژه، هیچ ارتباطی به سکاه‌ها ندارد.^۱ به طور همزمان، نقوش انسانی با تزئینات کاملاً سکایی همچون تصویر خدای مؤنث، معروف به «معشوقه حیوانات» از تپه‌های مدفون آکساندروپل و گریفین به دست آمده از اسلونوسکایا بلینیتسا^۲ نیز، پدید آمد. اشیاء ساخته شده توسط هنرمندان یونانی، در تمام گورستان‌های اشرافی قرن ۴ پ.م، یافت می‌شود. شماری از سلاح‌های تشریفاتی سکاه‌ها که در ساخت آن‌ها الگویی یکسان به کار رفته، در تپه‌های مدفون متفاوتی کشف شده‌است. تمام این

1. e.g., the earrings from Kul'-Oba

2. Slonovskaya Bliznitsa

تسلیحات در یک کارگاه، به شکلی سفارشی برای تعدادی از حکمرانان سکا و یا پیشکشی دیپلماتیک برای شاهان بوسپوران ساخته می‌شدند. برای مثال می‌توان به خنجر با داستان آشیل بر روی آن که از سایت‌های چرتوملیک، ملیتوپل^۱، پنج برادر ۸ و ایل اینتسی^۲ کشف شده است، اشاره کرد. (تصویر ۱۳)^۳

شماری از نقوش ترسیم شده بر روی اشیاء فلزی، تصویری از افسانه‌های سکایی است که از منابع نوشتاری شناخته می‌شوند. برای مثال می‌توان از نقوش ظروف آیینی ساخت یونان که از گورستان‌های کاستی^۴ و یا تپه‌های مدفون کول‌آبا در کریمه (تصویر ۱۴) به دست آمده، یاد کرد. در این نقوش، افسانه‌های سکایی و جدال سه فرزند هراکلیس به روایت هرودوت، به تصویر کشیده شده است.^۵ افسانه الهه آگیپد،^۶ مادر سه برادر، از دیگر موارد مرتبط است که به دفعات شاهد تکرار آن هستیم. در هنر یونانی-سکایی قرن ۴ پ.م، خلق مجدد تصاویری تکراری دیده شده، که به احتمال فراوان از لحاظ اسطوره‌شناسی و مذهبی، حائز اهمیت است. در چنین مواردی، تصویر زنی (به طور مشخص الهه) در حالت نشسته دیده می‌شود که یک مرد یا فرد جوان، در مقابل او ریتونی^۷ را در دست دارد. در یک مورد (یک بشقاب از محوطه ساخوکا)، نقش دو نفر در مرکز مجلسی با حضور افرادی دیگر قرار گرفته که تصویر دو سکایی در حال نوشیدن از یک ریتون، مکررا در هرکدام تکرار شده است. (این صحنه، مجلس برادری نام دارد) ممکن است که مجالس دیگر از این قبیل دارای اهمیت اسطوره‌شناسی و حماسی باشد، اما تفسیر مشخص آن‌ها، بر پایه فرضیات صورت می‌گیرد. (شانه کشف شده از سایت سولوخا، کاسه از گامائوا موگیلا و ظرف از چرتوملیک و غیره)

1. Melitopol

2. Il'inty

3. Stähler and Nieswandt

4. Chastye

5. IV, 8-10; Raevskii, 1977, pp. 31-36

6. anguiped

7. Kul'-Oba, Chertomlyk, Oguz, Verkhni Rogachik, 1st Mordvinovskii, Melitopol, Nosaki 4, Raevskii, 1977, pp. 95-100; Bessonova, pp. 98-107

پیکره‌های انسانی، بیشترین پیروی از هنر دیرینه سکاها را داشتند. طیف گسترده‌ای از پیکره‌ها در قرن ۴ پ.م، جزئی از سنت سکاها بود. با این وجود، نفوذ یونانیان در پیکره‌های یافت‌شده از این دوره در منطقه کریمه، کاملاً مشهود است.^۱ طراحی جزئیات در این قبیل پیکره‌ها، به ویژه در سلاح و لباس، با نمونه‌های سکایی تفاوت ملموسی دارد.

آثار هنری سکاها در بسیاری از موزه‌های جهان، چه در روسیه و اوکراین و چه خارج از آن نگهداری می‌شود. بزرگترین مجموعه آثار سکایی در موزه اِرمیتاژ واقع در سنت‌پترزبورگ (محل کشف بسیاری از اشیاء در حفاری‌های قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی) و گنجینه تاریخی اوکراین در کی‌یف (بیشترین نمونه‌ها از حفاری‌های قرن ۲۰ میلادی) یافت می‌شود. مجموعه‌های دیگری با ارزش پایین‌تر نیز در موزه تاریخی و موزه هنر مردم مشرق زمین در مسکو، مؤسسه باستان‌شناسی (انجمن علوم اوکراین) و موزه‌های منطقه‌ای همچون موزه خارکوف،^۲ زاپوروژی،^۳ اِدسا^۴ و کرک^۵ نگهداری می‌شود. همچنین شما می‌توانید نظاره‌گر کلکسیون‌های کوچکی از هنر سکایی در موزه‌های آنتیک‌نساملونگ^۶ (برلین)، لوور (پاریس)، آشمولین^۷ (آکسفورد) و متروپولیتن (نیویورک) باشید. آثار هنری سکاها در موقعیت‌های مختلف، به صورت نمایشگاه دوره‌ای در معرض بازدید عموم قرار داده می‌شود.^۸

هنر سکایی بدیع با غروب فرهنگ باستان‌شناسی سکاها، در اوایل قرن ۳ پ.م پایان یافت. قسمت‌هایی از پیکره و دیوارنگاره‌های سکایی، متعلق به آیین یونانی، در نیاپولیس کشف‌شده که به احتمال زیاد توسط اساتید یونانی ساخته شده‌است. با این

1. Privetnoe, Chernomorskoe
2. Kharkov
3. Zaporozhye
4. Odessa
5. Kerch
6. Antikensammlung
7. Ashmolean

۸. برای بهترین بازسازی‌ها رجوع شود به:

Amandry and Schiltz; Piotrovsky, Galanina, and Grach; Rolle, Müller-Wille, and Schietzel; Schiltz; Reeder

حال، سنت طراحی سنگ قبرها با اشکال انسانی در دوره سکاهای متأخر همچنان پابرجا ماند و اغلب، پیکره‌های زُخت انسانی در گورستان‌ها به کار می‌رفت. نمونه طرح‌های جدید به وضوح از کیفیت پایینی برخوردار بودند و تشخیص جزئیات در آن‌ها، امری بسیار دشوار بود.^۱ در پاره‌ای از موارد، پیکره‌های کشف‌شده از آرامگاه‌ها، با موارد به دست آمده از قلمروی بوسپوران قابل مقایسه است.

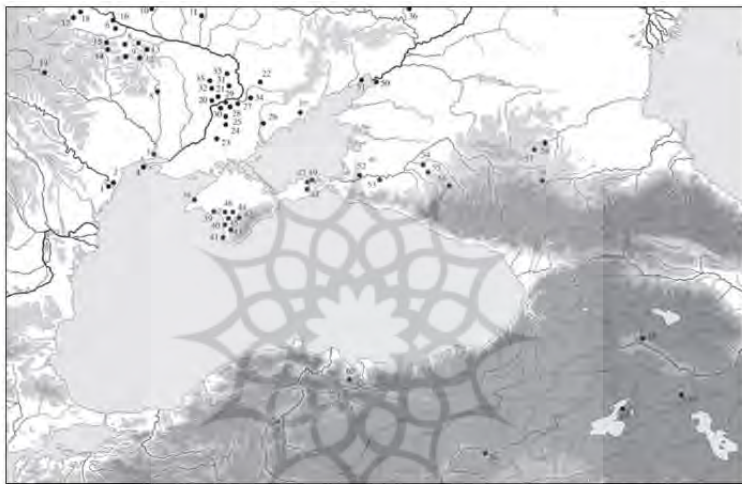
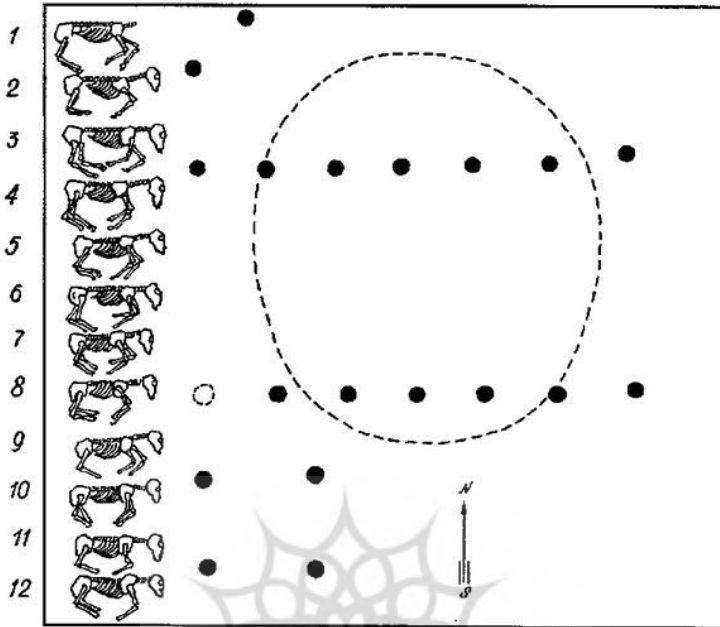


Figure 1. Scythia, with the sites mentioned in the articles.

Alexandropol	32	Kamenskoe	29	Nikomion	2	Sinyavka	6
Ayanis-kale	62	Kelermesskaya	55	Norsuntepe	64	Solodka	10
Baby	20	Kerkinius	39	Nosaki	34	Solodka	30
Bastam	61	Kermen-Kyr	44	Novogrigo'evka	22	Starshaya Mogila	10
Belskoe	11	Khotovskoe	18	Novozavedennoe	58	Steblevo	6
Berdianskii	37	Kostromskaya	56	Nymphaeum	48	Taganrog	51
Berezan	4	Kozel	25	Oguz	24	Teisebatni	60
Bobrica	9	Krasnoe Znaniya	57	Olbia	3	Temir-gora	47
Bol'shaya Cymbalka	28	Krasnokutskii	33	Ostraya Tomakovskaya		Tolstaya Mogila	20
Bulganak	45	Krivorozhskii	36	Mogila	31	Trakhtemirovo	16
Chernomorskoe	38	Kul-Oba	47	Panticapaeum	47	Tyras	1
Chersonesos	41	Kulakovskii	43	Pastyksoe	12	Tyritake	47
Chertomlyk	21	Litoi	5	Perepyatikha	17	Ulskaya	54
Chmyreva Mogila	28	Medvin	15	Popovka	10	Ulyap	54
Dar'evka	7	Melitopol	26	Portmeus	49	Ust-Alma	40
Elizavetinskoe	53	Mordvinovskii	23	Privetnoe	46	Verkhonii Rogachik	30
Elizavetovka	50	Motrominskoe	13	Raskopana Mogila	20	Volkovcy	10
FiveBrothers	50	Myrmekion	49	Repyakhovataya Mogila	8	Zavadsкая Mogila	20
Gaimanova Mogila	27	Nartan	59	Ryghanovka	14	Zhabotin	9
Gulyai Gorod	9	Neapolis	42	Seven Brothers	52	Zheltokamenka	35
Imirler	63	Nemirovskoe	19	Shumeiko	10	Zolotoi	42
Kalos Limen	38						

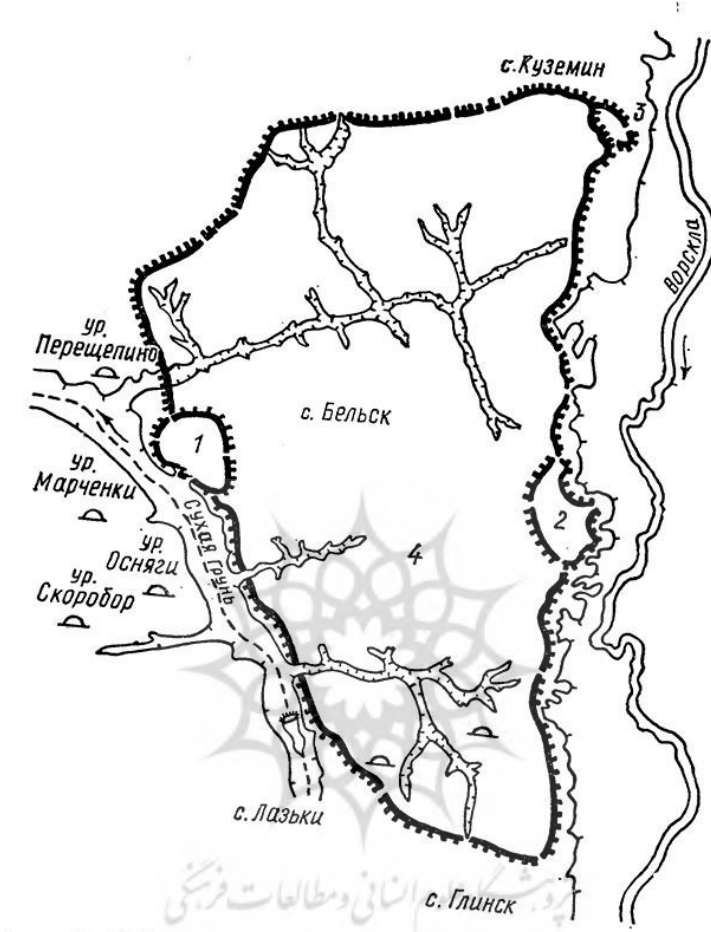
تصویر ۱. سکا، با سایت‌های ذکر شده در مقاله‌ها



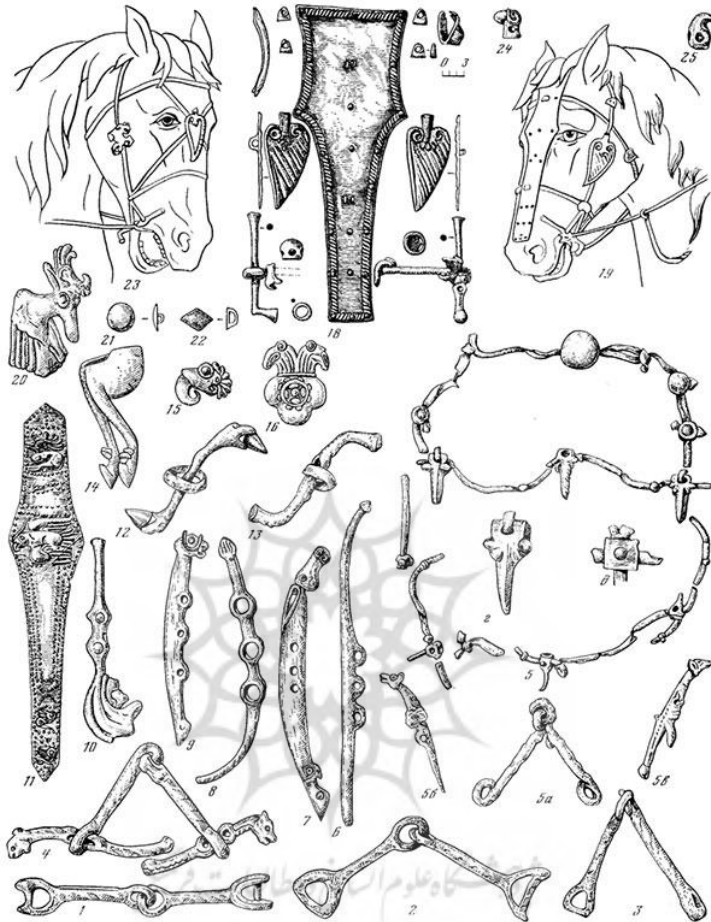
تصویر ۲. معبد در تومولوس، طراحی شماتیک توسط نیکولای ویس洛夫سکی ۱۹۰۴



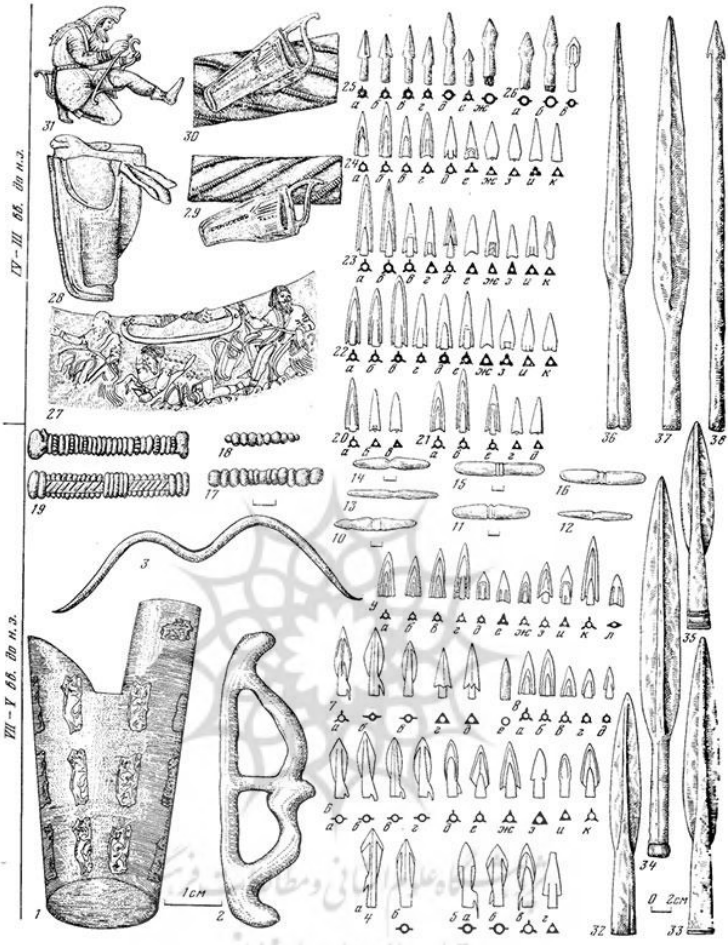
تصویر ۳. شمشیر کیروس



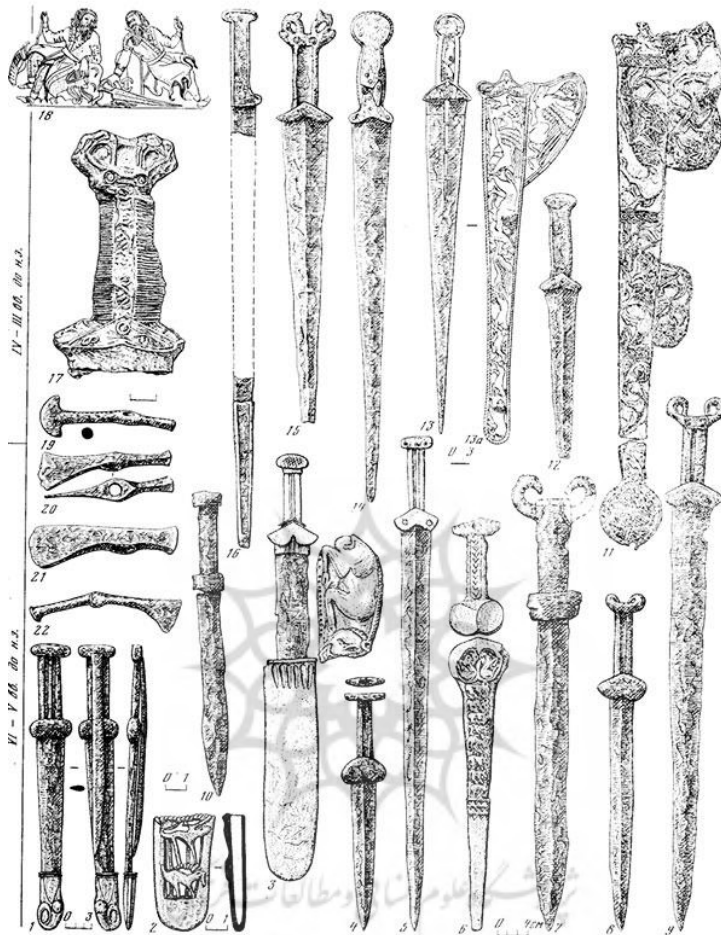
تصویر ۴. نقشه بلسکو



تصویر ۵. لوازم سوارکاری سکاه، قرون ۷ تا ۵ پ.م.



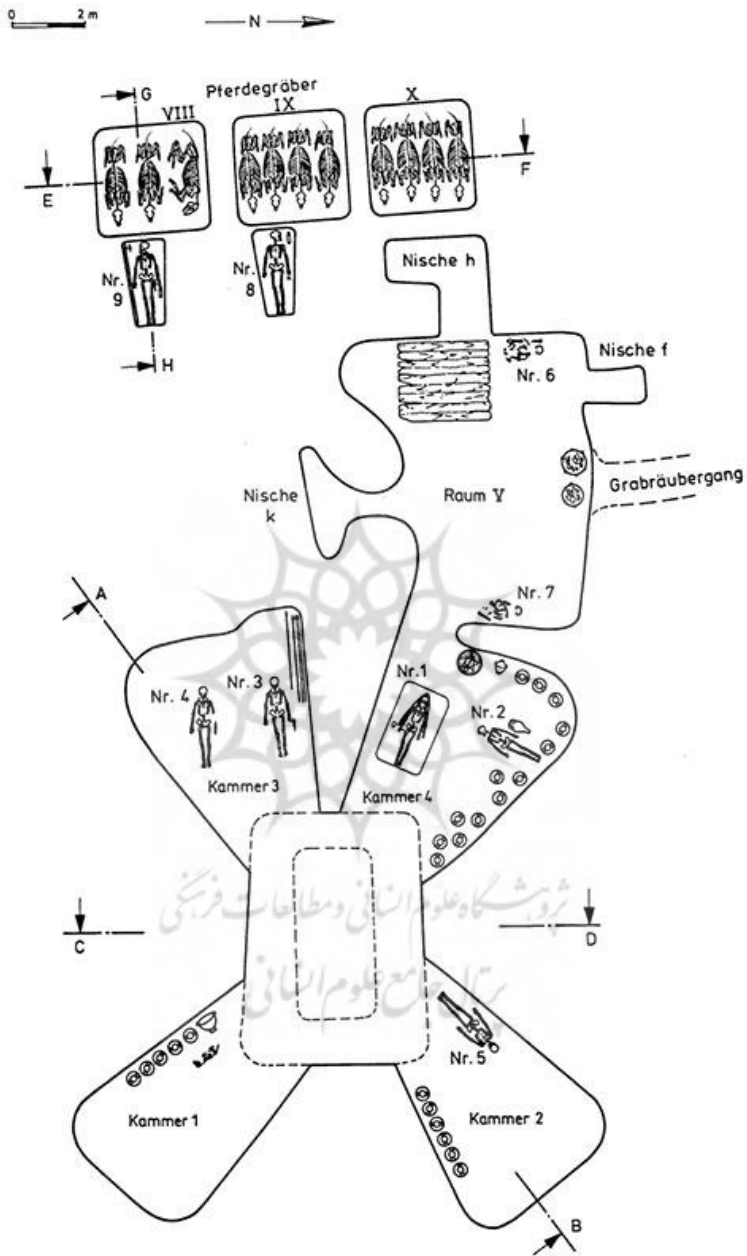
تصوير ۶. کمان سکايب و گوربتوي



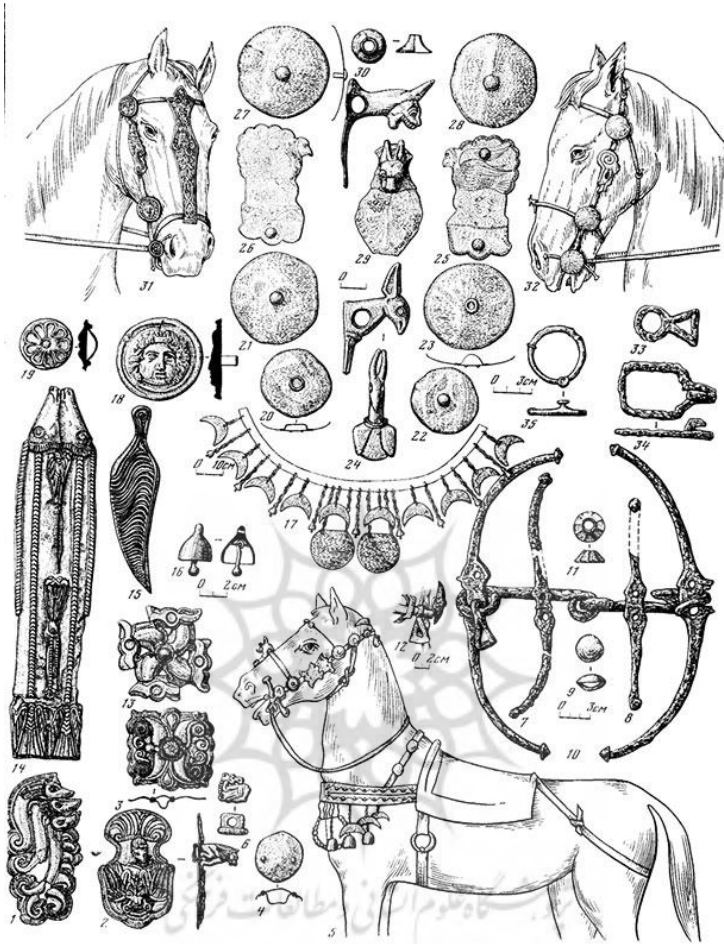
تصویر ۷. شمشیر سکایی، خنجرها به همراه غلاف، تبرها



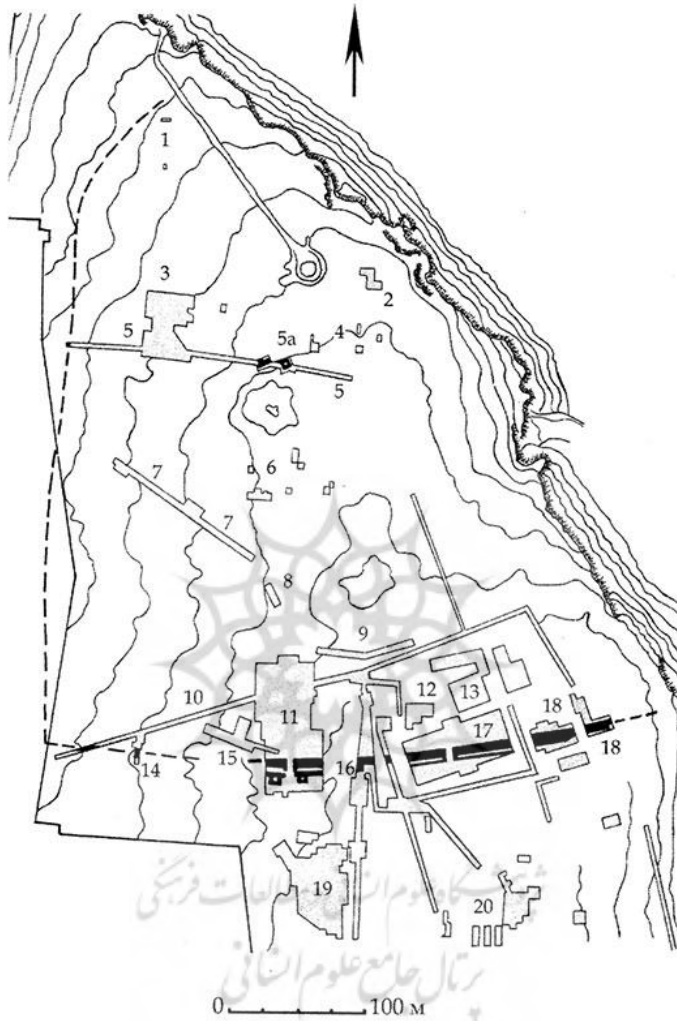
تصویر ۸. اشیاء با نقوش حیوانی



تصویر ۹. نقشه آرامگاه مرکزی و اسبها، آرامگاه چرتوملیک



تصویر ۱۰. تجهیزات سوارکاری سکاها، قرن ۴ پ.م

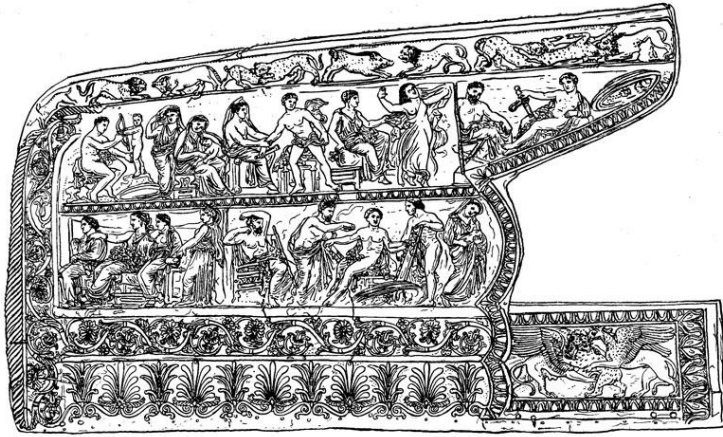


تصویر ۱۱. نقشه نیاپولیس



تصویر ۱۲. سنگ قبر با نقوش انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱۳. گوریتوس با زندگی آشیل بر روی آن، چرتوملیک



تصویر ۱۴. ظروف آئینی از تپه‌های مدفون کول‌آبا

منابع و مأخذ:

- Abbreviations (classical sources follow Oxford Classical Dictionary).
- CIRB: Corpus Inscriptionum Regni Bosporani, ed. V. Struve, Moscow, 1965.
- IG XIV: Inscriptiones Graecae XIV: Inscriptiones Siciliae et Italiae, additis Galliae, Hispaniae, Britanniae, Germaniae inscriptionibus, ed. by Georg Kaibel, Berlin, 1890.
- IosPE: Inscriptiones antiquae orae septentrionalis Ponti Euxini graecae et latinae, ed. Basilus [Vasilii] Latyshev, 3 vols., St. Petersburg, 1885-1916.
- OAK: Otchet Imperatorskoï arkheologicheskoi kommissii (St. Petersburg, 1859-1916).
- SAA: State Archives of Assyria, Helsinki, 1987- (IV= I. Starr, ed., Queries to the Sungod: Divination and Politics in Sargonid Assyria, Helsinki, 1990).
- SEG: Supplementum Epigraphicum Graecum, Leiden, Amsterdam, 1923-
- Andreï Yu. Alekseev, "O skifskom Arese" (On Scythian Ares), Arkheologicheskii sbornik Gosudarstvennogo Ėrmitazha 21, 1980, pp. 41-43.
- Idem, "Kurgan Chmyreva Mogila i data ego sooruzheniya" (The Chmyreva Mogila burial mound and the date of its construction), Soobshcheniya Gosudarstvennogo Ėrmitazha 50, 1985, pp. 31-35.
- Idem, "O datakh skifskikh kurganov Baby i Raskopana Mogila" (On the dates of the Scythian burial mounds Baby and Raskopana Mogila), Soobchsheniya Gosudarstvennogo Ėrmitazha 52, 1987, pp. 28-31.
- Idem, Khronografiya Evropeiskoi Skifii VII-IV vekov do n.è. (Chronography of European Scythia in the 7th-4th centuries BCE), St. Petersburg, 2003.
- Pierre Amandry, B. B. Piotrovskij, and Véronique Schiltz, eds., Or des Scythes: trésors des musées soviétiques, Paris, 1975.
- Svetlana I. Andrukh, Nizhnedunaïskaya Skifiya v VI-nachale I v. do n.è. (Scythia of the Lower Danube between the 6th and early 1st century BCE), Zaporizhya, 1995.
- Mikhail I. Artamonov, "Proiskhozhdenie skifskogo iskusstva" (The origins of Scythian art), Sovetskaya arkheologiya, 1968, no. 4, pp. 27-45.

- Vladimir P. Babenchikov, "Nekropol' Neapolya Skifskogo" (The necropolis of Scythian Neapolis), in Pavel N. Shul'ts, ed., *Istoriya i arkheologiya drevnego Kryma*, Kiev, 1957, pp. 94-141.
- Valery M. Batchaev, "Drevnosti predskifskogo i ranneskifskogo periodov" (Antiquities from the pre-Scythian and early Scythian periods), in Vladimir I. Markovin, ed., *Arkheologicheskie issledovaniya na novostroïkakh Kabardino-Balkarii*, Nalchik, 1985, II, pp. 7-115.
- Svetlana S. Bessonova, *Religioznye predstavleniya skifov* (Religious concepts of the Scythians), Kiev, 1983.
- Svetlana S. Bessonova and Sergeï A. Skoryï, *Motroninskoe gorodishche skifskoi èpokhi* (The city-site of Motroninskoe from the Scythian period), Kiev, 2001.
- Rainer M. Boehmer, "Skythische Grabstelen aus Muğesir (Nordost-Irak)," *Baghdader Mitteilungen* 29, 1998, pp. 81-94.
- Yuriï V. Boltrik, "Svyatilishche Areya v urochishche Nosaki" (The sanctuary of Ares at Nosaki), in *Arkheologicheskie issledovaniya na Ukraine v 1976-1977 gg. Tezisy*, Uzhgorod, 1978, pp. 61-62.
- Yuriï V. Boltrik, Elena E. Fialko, and Nikolaï N. Cherednichenko, "Berdyanskiï kurgan" (The Berdyansky burial mound), *Rossiïskaya arkheologiya*, 1994, no. 3, pp. 140-56.
- Pierre Briant, *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, Winona Lake, In., 2002.
- Evgeniï V. Chernenko, *Skifskiï dospekh* (Scythian armor), Kiev, 1968.
- Idem, "Drevneïshie skifskie paradnye mechi (Melgunov i Kelermes)" (The earliest Scythian ceremonial swords [Melgunov and Kelermes]), in Alekseï I. Terenozhkin et al., eds., *Skifiya i Kavkaz*, Kiev, 1980, pp. 7-30.
- Evgeniï V. Chernenko et al., *Skifskie pogrebal'nye pamyatniki stepei severnogo Prichernomor'ya* (Scythian funerary sites in the steppes of the Northern Pontic Region), Kiev, 1986.
- Jan Chochorowski and Sergeï Skoryï, "Die Zentralbestattung des Gross-Grabhügels von Ryžanovka im rechtsseitigen Teil des ukrainischen Waldsteppengebietes, Pratiques funéraires dans l'Europe des XIIIe-IVe s. av. J.-C.," in Vasilica Lungu, ed., *Actes du IIIe Colloque International d'archéologie funéraire*, Tulcea, 2000, pp. 105-22.

- Olga D. Dashevskaya, "Skifskoe gorodishche Krasnoe (Kermen-Kyr)" (The Scythian city-site of Krasnoe [Kermen-Kyr])," *Kratkie soobshcheniya Instituta istorii material'noi kul'tury* 70, 1957, pp. 108-17.
- Idem, *Pozdnie skify v Krymu: Svod arkheologicheskikh istochnikov D1-7* (The Late Scythians in the Crimea, Corpus of archeological sources D1-7), Moscow, 1991.
- Dmitrii I. Evarnitskiĭ, "Izvlechenie iz otcheta o raskopkakh, proizvedennykh letom 1897 g. bliz s. Mikhaĭlovo-Apostolova, Khersonskoĭ gub. i uezda" (Extract from the report on the excavations carried out in the summer of 1897 near the village of Mikhailovo-Apostolovo, in the Kherson Province and District), *Otchet Imperatorskoĭ Arkheologicheskoi Komissii za 1897 g.*, St. Petersburg, 1900, pp. 133-37.
- Elena E. Fialko, "Pogrebal'nyi kompleks kurgana Oguz" (The funerary complex of the Oguz burial mound), in Evgenii V. Chernenko, Vyacheslav Yu. Murzin, and Sergeĭ A. Skoryĭ, eds., *Drevnosti skifov*, Kiev, 1994, pp. 122-44.
- Olena J. Fialko and Yuri Boltrik, *Napad skifiv na Trakhtemirovs'ke gorodishche* (Scythian attack on the city-site of Trakhtemirovo), Kiev, 2003.
- Ludmila K. Galanina, *Die Kurgane von Kelermes: "Königsgräber" der frühskythischen Zeit*, Moscow, 1997.
- Nadezhda A. Gavriilyuk, *Istoriya èkonomiki Stepnoi Skifii VI-III vv. do n.è.* (The history of the economy of the Steppe Scythia in the 6th-3rd centuries BCE), Kiev, 1999.
- Nadezhda A. Gavriilyuk and Valentina V. Krapivina, "Nizhnedneprovskie gorodishcha (k problem vozniknoveniya i razvitiya)" (City-sites of the Lower Dnieper [on the problem of origin and development]), *Bosporskie chteniya* 6, 2005, pp. 68-69.
- Roman Ghirshman, *Tombe princière de Ziwiyé et le début de l'art animalier scythe*, Paris, 1979.
- André Godard, *Le trésor de Ziwiyé (Kurdistan)*, Haarlem, 1950.
- Nonna L. Grach, "Kul-Oba Studies," *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia* 7, 2001, pp. 5-43.
- Boris N. Grakov, *Kamenskoe gorodishche na Dnepre* (The city-site of Kamenskoe on the Dnieper), Moscow, 1954.

- Edvin Grantovskij, *Indoiranische Kastengliederung bei den Skythen*, XXV Internationaler Orientalisten-Kongress, Vorträge der Delegation der USSR, Moscow, 1960.
- Varvara A. Il'inskaya, *Skify dneprovskogo lesostepnogo levoberezya (kurgany Posul'ya)* (Scythians from the forest-steppes on the left bank of the Dnieper [Burial mounds from the Sula Region]), Kiev, 1968.
- Idem, *Ranneskifskie kurgany basseina r. Tyasmin* (Early Scythian burial mounds in the basin of the Tyasmin River), Kiev, 1975.
- Varvara A. Il'inskaya, Boris N. Mozolevskii, and Alekseï I. Terenozhkin, "Kurgany VI v. do n.è. u s. Matusov" (Burial mounds of the 6th century BCE near the village of Matusov), in Alekseï I. Terenozhkin et al., eds., *Skifiya i Kavkaz*, Kiev, 1980, pp. 31-63.
- Varvara A. Il'inskaya and Alekseï I. Terenozhkin, *Skifiya VII-IV vv. do n.è.* (Scythia in the 7th-4th centuries BCE), Kiev, 1983.
- Askold I. Ivantchik, *Les Cimmériens au Proche-Orient*, Fribourg and Göttingen, 1993.
- Idem, *Kimmeriïtsy: Drevnevostochnye tsivilizatsii i stepnye kochevniki VIII-VII vv. do n.è.* (The Cimmerians: Ancient eastern civilizations and steppe nomads in the 8th-7th centuries BCE), Moscow, 1996.
- Idem, "Une légende sur l'origine des Scythes (Hdt. IV, 5-7) et le problème des sources du Scythikos logos d'Hérodote," *Revue des études grecques* 112, 1999a, pp. 141-92.
- Idem, "The Scythian 'Rule over Asia': The Classical Tradition and the Historical Reality," in Gocha R. Tsetskhladze, ed., *Ancient Greeks West and East*, Leiden, 1999b, pp. 497-520.
- Idem, *Kimmerier und Skythen: Kulturhistorische und chronologische Probleme der Archäologie der osteuropäischen Steppen und Kaukasiens in vor- und frühskythischer Zeit*, Moscow, 2001a.
- Idem, "La légende "grecque" sur l'origine des Scythes (Hérodote 4.8-10)," in Valérie Fromentin and Sophie Gotteland, eds., *Origines gentium*, Bordeaux, 2001b, pp. 207-20.
- Idem, *Am Vorabend der Kolonisation: Das nördliche Schwarzmeergebiet und die Steppennomaden des 8.-7. Jhs. v. Chr. in der klassischen Literaturtradition: Mündliche Überlieferung, Literatur und Geschichte*, Berlin and Moscow, 2005.

- Idem, "K voprosu o skifskom yazyke" (On the problem of the Scythian language), *Vestnik Drevnei Istorii*, 2009, no. 2, pp. 62-88.
- Idem, "The Funeral of Scythian Kings: The Historical Reality and the Description of Herodotus (IV, 71-72)", in Larisa Bonfante, ed., *European Barbarians*, Cambridge, 2011, pp. 71-106.
- Askold I. Ivantchik and Aleksandr M. Leskov, eds., *The Ulskii Tumuli: Cultic and Burial Ensemble of the Scythian Period in the Northern Caucasus*, Moscow and Berlin, 2015.
- Karl Jettmar, "Die zentralasiatische Entstehung des Tierstils," *Beiträge zur allgemeinen und vergleichenden Archäologie* 1, 1979, pp. 145-58.
- Anatoliĭ R. Kantorovich, "Klassifikatsiya i tipologiya elementov 'zoomorfnykh prevrashchenii' v zverinom stile stepnoi Skifii" (Classification and typology of elements of 'zoomorphic transformations' in the Animal Style of the Steppe Scythia), in Alexandr V. Evgelevskii, ed., *Strukturno-semioticheskie issledovaniya v arkheologii I*, Donetsk, 2002, pp. 77-130.
- Petr O. Karyshkovskii and A. G. Zaginaĭlo, "Monety skifskogo tsarya Skila" (Coins of the Scythian king Skyles), in Valentin L. Yanin and Avraam A. Nudel'man, eds., *Numizmaticheskie issledovaniya po istorii Yugo-Vostochnoi Evropy*, Kishinev, 1990, pp. 3-15.
- Jan F. Kindstrand, *Anacharsis: The Legend and the Apophtegmata*, Uppsala, 1981.
- Vladimir A. Kisel', *Svyashchennaya sekira skifov: Ob odnoi nakhodke iz Kelermesa (A sacred battle axe of the Scythians: On a find from Kelermes)*, St. Petersburg, 1997.
- Idem, "Pamyatniki blizhnevostochnoi torevtiki iz kurganov Predkavkaz'ya i Severnogo Prichernomor'ya VII-nachala VI vv. do n.è. (K probleme blizhnevostochnykh svyazei skifov)" (Objects of Near-Eastern Toreutics from burial mounds in the pre-Caucasus and the northern Pontic region of the 7th-early 6th centuries BCE [On the problem of Near-Eastern relations of the Scythians]), abstract of Ph.D. diss., St. Petersburg State University, 1998.
- Victor I. Klochko and Sergeĭ A. Skoryĭ, "Kurgan No. 15 bilya Stebleva u Porossi" (Burial mound No 15 near Steblevo in Ros' region), *Arkheologiya*, no. 2, Kiev, 1993, pp. 71-84.
- Sergeĭ G. Koltukhov, "Kurgan Kulakovskogo" (The Kulakovsky burial mound), *Khersonesskii sbornik* 9, 1998, pp. 17-24.

- Idem, “‘Zolotoi’ Simferopol’skiĭ kurgan” (The ‘Golden’ burial mound at Simferopol), *Khersonesskiĭ sbornik* 10, 1999a, pp. 7-20.
- Idem, *Ukrepneniya Krymskoĭ Skifii* (Fortifications of Crimean Scythia), Simferopol, 1999b.
- Idem, “O krymskikh kurganakh s «kollektivnymi pogrebeniyami»” (On Crimean burial mounds with ‘collective burials’), in Irina I. Gushchina and Denis V. Zhuravlev, eds., *Pozdnie skify Kryma*, Moscow, 2001, pp. 59-70.
- Georg Kossack, “Von den Anfängen des skytho-iranischen Tierstils,” *Skythika. Abhandlungen der Bayerischen Akademie der Wissenschaften, Phil.-hist. Klasse, N.S.* 98, 1987, pp. 24-86.
- Galina T. Kovpanenko, “Kurgany skifskogo vremeni u s. Medvin v Poros’e” (Burial-mounds of the Scythian Period near the Village of Medvin in the Ros’ River Region”), in Alekseĭ I. Terenozhkin et al., eds., *Skify i sarmaty*, Kiev, 1977, pp. 40-72.
- Idem, *Kurgany ranneskifskogo vremeni v basseĭne r. Ros’* (Burial mounds of the early Scythian period in the bassin of the Ros’ River), Kiev, 1981.
- Sergeĭ D. Kryzhitskiĭ, Sergeĭ B. Buĭskikh, Anatoliĭ V. Burakov. and Valeriĭ M. Otreshko, *Sel’skaya okruga Ol’viĭ* (Rural hinterland of Olbia), Kiev, 1989.
- Sergeĭ V. Kullanda and Dmitriĭ S. Raevskiĭ, “Eminak v ryadu vladyk Skifii” (Eminakes among other rulers of Scythia), *Vestnik Drevnei Istorii*, 2004, no. 1, pp. 79-95.
- Tamara M. Kuznetsova, *Zerkala Skifii VI-III vv. do n.è.* (Mirrors from Scythia in the 6th-3rd centuries BCE), Moscow, 2003.
- Ya. Lazarevskiĭ, “Aleksandropol’skiĭ kurgan” (The Alexandropol burial mound), *Zapiski Rossiiskogo Arkheologicheskogo obshchestva* 7, 1895, pp. 24-46.
- Ivan I. Loboda, Alexandr E. Puzdrovskij, and J. P. Zajcev [Yuriĭ P. Zaĭtsev], “Prunkbestattungen des 1. Jh. N. Chr. in der Nekropole Ust’-Alma auf der Krim,” *Eurasia Antiqua* 8, 2002, pp. 295-346.
- Vladimir E. Maksimenko, ed., *Sarmaty i Skifiya: Sbornik nauchnykh dokladov III Mezhdunarodnoĭ konferentsii “Problemy sarmatskoĭ arkheologii i istorii”* (The Sarmatians and Scythia: A collection of academic papers for the 3rd International Conference “Problems of Sarmatian Alogy and History”), Azov, 1997.

- Anastasiya P. Mantsevich, "Golovka byka iz kurgana VI v. do n.è. na r. Kalitva" (The head of a bull from a burial mound of the 6th century BCE on the Kalitva River), *Sovetskaya Arkheologiya*, 1958, no. 2, pp. 196-202.
- Idem, *Kurgan Solokha*, Leningrad, 1987.
- Konstantin K. Marchenko, "K probleme greko-varvarskikh kontaktov v severo-zapadnom Prichernomor'e V-IV vv. do n.è. (sel'skie poseleniya Nizhnego Pobuzh'ya)" (On the question of contacts between Greeks and Barbarians in the northwestern Pontic region in the 5th-4th centuries BCE [Rural settlements in the lower reaches of the Bug River]), *Stratum plus*, 1999, no. 3, pp. 145-72.
- Konstantin K. Marchenko, Viktor G. Zhitnikov, and Viktor P. Kopylov, *Elizavetovskoe gorodishche na Donu / Die Siedlung Elizavetovka am Don*, Moscow, 2000.
- Inna N. Medvedskaya, "Periodizatsiya skifskoï arkhaiki i Drevniï Vostok" (Periodization of the Scythian Archaic Era and the Ancient Orient), *Rossiiskaya arkheologiya*, 1992, no. 3, pp. 86-107.
- Anna I. Melyukova, *Vooruzhenie skifov (Weapons of the Scythians)*, Moscow, 1964.
- Idem, *Krasnokutskii kurgan (The Krasnokutsky burial mound)*, Moscow, 1981.
- Idem, ed., *Stepi evropeiskoy chasti SSSR v skifo-sarmatskoe vremya (Steppes of the European part of the USSR in the Scytho-Sarmatian period)*, Moscow, 1989.
- Catheline Metdepenninghen, "La relation entre l'art urartéen au temps du roi Rusa II et les épées-akinakes de Kelermès et de Melgounov," *Iranica Antiqua* 32, 1997, 109-36.
- Karl Meuli, "Scythica," *Hermes* 70, 1935, pp. 121-76.
- Borys N. Mozolevskii, *Tovsta Mogila (The Tolstaya Mogila burial mound)*, Kiev, 1979.
- Idem, "Skifskie kurgany v okrestnostyakh g. Ordzhonikidze na Dnepropetrovshchine (raskopki 1972-1975 gg.)" (Scythian burial mounds in the environs of the city of Ordzhonikidze in the Dnepropetrovsk region [Excavations of 1972-75]), in Alekseï I. Terenozhkin et al., eds., *Skifiya i Kavkaz*, Kiev, 1980, pp. 70-154.
- Idem, "Skifskii tsarskii kurgan Zheltokamenka" (The Scythian royal burial mound Zheltokamenka), in Alekseï I. Terenozhkin, Borys N. Mozolevskii,

- and Evegniĭ V. Chernenko, eds., *Drevnosti stepnoi Skifii*, Kiev, 1982, pp. 179-222.
- Idem, “K voprosu o skifskom Gerrose” (On the question of the Scythian Gerros), *Sovetskaya Arkheologiya*, 1986, no. 2, pp. 70-83.
- Oscar W. Muscarella, “‘Ziwiye’ and Ziwiye: The Forgery of a Provenience,” *Journal of Field Archaeology* 4/2, 1977, pp. 197-219.
- Valery S. Ol’khovskii, *Pogrebal’no-pominal’naya obryadnost’ naseleniya stepnoi Skifii (VII-III vv. do n.è.)* (Funerary and memorial rites of the population of the Steppe Scythia [7th-3rd centuries BCE]), Moscow, 1991.
- Idem, “Pervyi Razmennyi kurgan u stanitsy Kostromskoi” (The First Razmennyi burial mound near the village of Kostromskaya), *Istoriko-arkheologicheskiĭ al’manakh* 1, 1995, pp. 85-98.
- Valerii S. Ol’khovskii and Gennadii L. Evdokimov, *Skifskie izvayaniya VII-III vv. do n.è.* (Scythian sculptures of the 7th-3rd centuries BCE), Moscow, 1994.
- Elena V. Perevodchikova, “Tipologiya i èvolutsiya skifskikh navershiĭ” (Typology and evolution of Scythian terminals), *Sovetskaya arkheologiya*, 1980, no. 2, pp. 23-44.
- Idem, *Yazyk zverinykh obrazov* (The language of animal images), Moscow, 1994.
- Vladimira G. Petrenko, *Aristocratic Scythian Necropolis of Krasnoe Znamya in the Northern Caucasus*, Moscow and Berlin, 2005.
- Vladimira G. Petrenko, Vladimir E. Maslov, and Anatolii R. Kantorovich, “Khronologiya tsentral’noi gruppy kurganov mogil’nika Novozavedennoe-II” (Chronology of the central group of burial mounds in the Novozavedennoe II burial ground), in Valerii I. Gulyaev and Valerii S. Ol’khovskii, eds., *Skify i sarmaty v VII-III vv. do n.è.: Paleoèkologiya, antropologiya i arkheologiya*, Moscow, 2000, pp. 238-48.
- Boris Piotrovsky, Liudmila Galanina, and Nonna Grach, *Scythian Art*, Oxford and Leningrad, 1987.
- Nadezhda N. Pogrebova, “Pozdneskifskie gorodishcha na Nizhnem Dnepre” (Late Scythian city-sites on the Lower Dnieper), *Materialy i issledovaniya po arkheologii SSSR* 64, 1958, pp. 103-247.
- Mariya N. Pogrebova and Dmitrii S. Raevskii, *Rannie skify i drevniĭ Vostok* (Early Scythians and the ancient Orient), Moscow, 1992.

- Sergeï V. Polin, "O khronologii ranneskifskoï kul'tury (po I. N. Medvedskoï)" (On the chronology of Early Scythian culture [according to I. N. Medvedskaya]), *Rossiiskaya arkheologiya*, 1998, no. 4, pp. 50-63.
- Karl Praechter, "Der fünfte Anacharsisbrief," *Hermes* 56, 1921, pp. 422-31.
- Evgeniï Pridik, "Mel'gunovskiï klad 1763 g." (The Melgunov treasure of the year 1763), *Materialy po arkheologii Rossii* 31, 1911, pp. 1-21.
- Alexandr E. Puzdrovskii, "Pogrebeniya Bitakskogo mogil'nika pervykh vekov n.è. s oruzhiem i konskoï uzdoï" (Burials in the Bitak burial ground from the early centuries CE containing weapons and horse bridles), in Irina I. Gushchina and Denis V. Zhuravlev, eds., *Pozdnie skify Kryma*, Moscow, 2001, pp. 122-40.
- Idem, *Krymskaya Skifiya vo II v. do n.è. – III v. n.è. Pogrebal'nye pamyatniki* (Crimean Scythia in the 2nd century BC – 3rd century AD. Burial monuments), Simferopol, 2007.
- Alexandr E. Puzdrovskii and Alexandr A. Trufanov, *Polevye issledovaniya Ust'-Al'minskogo nekropolya* (Field researches at the Ust-Alma necropolis), vol. I-III. Simferopol, 2016-2017.
- Dmitriï S. Raevskii, *Ocherki ideologii skifo-sakskikh plemen* (Essays on the ideology of the Scythian-Saka tribes), Moscow, 1977.
- Idem, *Model' mira skifskoï kul'tury* (A model for the world of the Scythian culture), Moscow, 1985.
- Ellen D. Reeder, ed., *Scythian Gold: Treasures from Ancient Ukraine*, New York, 1999.
- Franz H. Reuters, *Die Briefe des Anacharsis*, Berlin, 1963.
- Renate Rolle, Michael Müller-Wille, and Kurt Schietzel, eds., *Gold der Steppe: Archäologie der Ukraine*, Schleswig, 1991.
- Renate Rolle, Vyacheslav Yu. Murzin, and Andreï. Yu. Alekseev, *KönigskurganČertomlyk: Ein skythischer Grabhügel des 4. vorchristlichen Jahrhunderts Teilbd*, Mainz, 1998.
- Dmitriï Ya. Samokvasov, *Mogily Russkoï zemli* (Graves of the Russian land), Moscow, 1908.
- Véronique Schiltz, *Les Scythes et les nomades des steppes: VIIIe siècle avant J.-C.-1er siècle après J.-C.*, Paris, 1994.
- Alexandr N. Shcheglov, *Severo-zapadnyï Krym v antichnuyu èpokhu* (Northwestern Crimea in the antique epoch), Leningrad, 1978.

- Valentin P. Shilov, "Raskopki Elizavetovskogo mogil'nika v 1959 g." (Excavations of the Elizavetovsky burial ground in 1959), *Sovetskaya arkheologiya*, 1961, no. 1, pp. 150-68.
- Alexandr I. Shkurko, "O lokal'nykh razlichiyakh v iskusstve lesostepnoi Skifii" (On local differences in the art of the Forest Steppe Scythia), in Anna I. Melyukova and Marina G. Moshkova, eds., *Skifo-sibirskii zverinyi stil' v iskusstve narodov Evrazii*, Moscow, 1976, pp. 90-105.
- Idem, "Skifskoe iskusstvo zverinogo stilya (po materialam lesostepnoi Skifii)" (Scythian art of the animal style [on materials from the Forest Steppe Scythia]), in Valerii I. Gulyaev and Valerii S. Ol'khovskii, eds., *Skify i sarmaty v VII-III vv. do n.è.: Paleoèkologiya, antropologiya i arkheologiya*, Moscow, 2000, pp. 304-13.
- Boris A. Shramko, *Bel'skoe gorodishche skifskoi èpokhi: Gorod Gelon* (The Belskoe city-site of the Scythian era: city of Gelon), Kiev, 1987.
- Pavel N. Shul'ts, *Mavzolei Neapolya Skifskogo* (The mausoleum at Scythian Neapolis), Moscow, 1953.
- Liina F. Silant'eva, "Nekropol' Nimfeya" (The necropolis of Nymphaeum), *Materialy i issledovaniya po arkheologii SSSR* 69, 1959, pp. 5-108.
- Alexandr V. Simonenko, *Sarmaty Tavrii* (The Sarmatians of the Tauris), Kiev, 1993.
- Sergei A. Skoryi, *Kurgan Perep'yatikha* (The Perepyatikha burial mound), Kiev, 1990.
- Idem, *Skify v dneprovskoi pravoberezhnoi lesostepi* (The Scythians in the forest steppe on the west bank of the Dnieper), Kiev, 2003.
- Tat'yana N. Smekalova, Sergei G. Koltukhov and Yurii P. Zaitsev, *Atlas pozdneskifskikh gorodishch predgornogo Kryma* (Atlas of the fortified sites of the foothills of the Crimea), St. Petersburg, 2015.
- Galina I. Smirnova, "Skifskoe poselenie na Nemirovskom gorodishche: obshchie dannye o pamyatnike" (A Scythian settlement at the Nemirovo city-site: General data on the site), *Materialy po arkheologii, istorii i ètnografii Tavrii* 6, 1998, pp. 77-121.
- Èlla I. Solomonik, "Èpigraficheskie pamyatniki Neapolya Skifskogo" (Epigraphic objects from the Scythian neapolis), *Numizmatika i èpigrafika* 3, 1962, pp. 32-44.
- Klaus P. Stähler, "Zum Relief der Schwertscheide von Certomlyk," in idem, ed., *Zur graeco-skythischen Kunst*, Münster, 1997, pp. 61-84.

- Klaus P. Stähler and H-Heige Nieswandt, "Der skythische Goryt aus dem Melitopol-Kurgan," *Boreas* 14/15, 1991-92, pp. 85-108.
- Elena Stolýarik, "Scythians in the West Pontic Area: New Numismatic Evidence," *The American Journal of Numismatics* 13, 2001, pp. 21-34.
- Erast A. Symonovich, *Naselenie stolitsy pozdneskifskogo tsarstva* (The population of the capital of the late Scythian kingdom), Kiev, 1983.
- Alexeĭ I. Terenozhkin and Borys N. Mozolevskii, *Melitopol'skiĭ kurgan* (The Melitopol burial mound), Kiev, 1988.
- Sergeĭ R. Tokhtas'ev, "Problema skifskogo yazyka v sovremennoĭ nauke" (Problem of the Scythian language in the modern researches), in Victor Cojocar, *Ethnic contacts and cultural exchanges north and west of the Black Sea from the Greek colonization to the Ottoman conquest*, Iasi, 2005, pp. 59-108.
- Vladimir P. Tolstikov, "K probleme obrazovaniya Bosporskogo gosudarstva" (On the question of the formation of the Bosporan state), *Vestnik Drevnej Istorii*, 1984, no. 3, pp. 24-48.
- Vladimir P. Tolstikov, Natalia S. Astashova, Georgii A. Lomtadze, Olga Yu. Samar, and Olga V. Tugusheva, *Drevneishii Pantikapeĭ. Ot apoikii – k gorodu* (The earliest Panticapaeum. From an apoikia to a city, Moscow, 2017.
- Marina Yu. Vakhtina, "Osnovnye kategorii grecheskoĭ importnoĭ keramiki iz raskopok Nemirovskogo gorodishcha" (The main categories of imported Greek pottery from the excavations of the Nemirovo city-site), *Materialy po arkheologii, istorii i ětnografii Tavrii* 6, 1998, pp. 122-39.
- Yurii G. Vinogradov, *Politicheskaya istoriya ol'viiskogo polisa VII-I vv. do n.ě.* (Political history of the Polis of Olbia in the 7th-1st centuries BCE), Moscow, 1989.
- Idem, "Greek Epigraphy of the North Black Sea Coast, the Caucasus and Central Asia (1985-1990)," *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia* I, 1994, pp. 63-74.
- Idem, "Khersonesskiĭ dekret o "nesenii Dionisa" IOSPE I2, 343 i vtorzhenie sarmatov v Skifiyu" (The Decree from Chersonesus Regarding "the carrying of Dionysus" IOSPE I, 343 and the Invasion of the Sarmatians into Scythia), *VDI*, 1997, no. 3, pp. 104-24.
- Yurii G. Vinogradov and Yurii P. Zaitsev, "Novyi ěpigraficheskiĭ pamyatnik iz Neapolya Skifskogo (predvaritel'naya publikatsiya)" (A new epigraphic

object from the Scythian Neapolis [preliminary publication]), *Arkheologiya* (Kiev), 2003, no. 1, pp. 44-53.

Alexeï A. Voloshinov, "Novye pamyatniki pozdneskifskoi skul'ptury iz yugo-zapadnogo i tsentral'nogo Kryma" (New monuments of late Scythian sculpture from the Southwestern and Central Crimea), in Irina I. Gushchina and Denis V. Zhuravlev, eds., *Pozdnie skify Kryma*, Moscow, 2001, pp. 147-55.

Mariya I. Vyaz'mitina, *Zolota Balka (Zolotaya Balka)*, Kiev, 1962.

Tat'yana N. Vysotskaya, *Pozdnie skify v yugo-zapadnom Krymu (The late Scythians in the southwestern Crimea)*, Kiev, 1972.

Idem, *Neapol': Stolitsa gosudarstva pozdnykh skifov (Neapolis: The capital of the state of the Late Scythians)*, Kiev, 1979.

Idem, *Ust'-Al'minskoe gorodishche i nekropol' (The Ust'-Alma city-site and its necropolis)*, Kiev, 1994.

Eleonora V. Yakovenko, "Pastyr'ske gorodishche skifs'kogo chasu" (The Pastyrskoe city-site of the Scythian era), *Arkheologiya* (Kiev) 21, 1968, pp. 175-86.

Idem, "Kurgan na Temir-Gore" (The burial mound at Temir-gora), *Sovetskaya arkheologiya*, 1972, no. 3, pp. 259-67.

Yuriï P. Zaitsev [Yurij Zaytsev], "Mavzoleï tsarya Skilura: fakty i kommentarii" (The mausoleum of King Skiluro: Facts and commentaries), in Irina I. Gushchina and Denis V. Zhuravlev, *Pozdnie skify Kryma*, Moscow, 2001, pp. 13-58.

Idem, *The Scythian Neapolis (2nd Century BC to 3rd Century AD): Investigations into the Graeco-Barbarian City on the Northern Black Sea Coast*, Oxford, 2004.

Idem, "Oboronitel'nye sooruzheniya kreposti Ak-Kaya v tsentral'nom Krymu (èpokha èllinizma i rimskii period)" (Defensive constructions of the fortress at Ak-Kaya in the Central Crimea (the Hellenistic era and the Roman period)), in Denis V. Zhuravlev, ed., *S Mitridata duet veter: Bospor i Prichernomor'e v antichnosti*. Moscow, 2015, pp. 164-73.

Yuriï P. Zaitsev and Valentina I. Mordvintseva, "Varvarskie pogrebeniya Kryma 2 v. do n.è.-1 v. n.è." (Barbarian burials in the Crimea from the 2nd century BCE to the 1st century CE), in Boris A. Raev, Ivan I. Marchenko, and Marina G. Moshkova, eds., *Sarmatskie kul'tury Evrazii: problemy regional'noi khronologii*, Krasnodar, 2004, pp. 174-204.